

سنجش تأثیرات اجتماعی: رویکردهای فعلی و مسیرهای پیش روی تحقیقات کارآفرینی اجتماعی

هانس راوهاوزر

دانشگاه نوادا، لاس وگاس

مایکل کامینگز

کالج کسب و کار والتون، دانشگاه آرکانساس، فیتویل

اسکات ال. نیوبرت

دانشکده کسب و کار زیکلین، کالج باروک، دانشگاه نیویورک

مترجم: فرید ناهید

کارشناس ارشد مدیریت؛ farid.nahid.research@gmail.com

چکیده

علی‌رغم اهمیت تأثیر اجتماعی در تحقیقات کارآفرینی اجتماعی، استانداردهای سنجش تأثیر اجتماعی یک سازمان، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ تجربی توسعه نیافته هستند. ما نمونه‌ای با حجم ۷۱ مقاله مرتبط از مجلات پیشرو [در حوزه] کسب و کار (FT50) را شناسایی کردیم که به طور مفهومی یا تجربی، سنجش تأثیر اجتماعی را بررسی کرده‌اند. ما ابتدا وسعت تعاریف، منابع داده و عملیاتی‌سازی تأثیرات اجتماعی را توصیف کردیم. بر اساس این تحلیل، ما یک گونه‌شناسی چهار رویکردی از مفهوم‌سازی تأثیر اجتماعی تولید نمودیم که از آن برای سازمان‌دهی بینش‌ها و پیشنهادهای مربوط به سنجش بهبود یافته تأثیر اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های کارآفرینانه استفاده کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی اجتماعی، تأثیر اجتماعی، ارزش اجتماعی، عملکرد اجتماعی و سنجش عملکرد.

مقدمه

محققان بیش از پیش به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی سازمان‌های مبتنی بر بازار^۱ می‌پردازند (Kent & Dacin, 2013; Husted & Salazar, 2006). این تأکید به‌ویژه در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی^۲ و سازمان‌های ترکیبی^۳ [تلفیقی از بخش دولتی، خصوصی و عام‌المنفعه با هدف تأثیرگذاری اجتماعی در کنار سودآوری مالی] مشهود است که برای رفع مشکلات اجتماعی جهانی، رسالت‌های اجتماعی را با رویکردهای بازاری ترکیب می‌کنند (Dacin & et al, 2011; Battilana & Dorado, 2010; Short & et al, 2009). رویکردهای مبتنی بر بازار که مشخصه یک رویکرد کارآفرینی اجتماعی است، ذاتاً با سنجش تأثیرات اجتماعی و عملکرد اجتماعی درگیر هستند (Grimes, 2010; Miller & Wesley II, 2010).

با وجود این علی‌رغم تحقیقات و اقدامات گسترده‌ای که نشان از علاقه به ایجاد و سنجش تأثیرات اجتماعی دارد، استانداردهای اندازه‌گیری این گونه^۴ مهم به اندازه کافی توسعه نیافته است (Salazar & et al, 2012). در حالی که تحقیقات و اقدامات عملکرد اجتماعی^۵ را به طور مفهومی در مسئولیت اجتماعی^۶ پی‌ریزی کرده‌اند، رویکردهای جدیدی برای سنجش پیشنهاد شده است که دارای فرضیه‌های بنیادین متفاوت و مستلزم سنجش اساساً متمایزی است (Kroeger & Weber, 2014; Salazar & et al, 2012). با رویکردهایی چنین ناهمگون، ادبیات [این حوزه] فاقد بینش تجمیعی مورد نیاز برای پیشرفت سریع‌تر و اثربخش‌تر تحقیقات کارآفرینی اجتماعی است.

بنابراین هدف این مقاله، توصیف شباهت‌ها و تفاوت‌ها در میان روش‌های مطالعه تأثیر اجتماعی و استفاده از این بینش‌ها برای ارائه مسیری واضح برای تحقیقات آتی است. برای انجام این کار، ما مقالات منتشرشده در فهرست پنجاه مجله برتر کسب‌وکار فایننشال تایمز (FT50)^۷ را که بر تأثیرات اجتماعی تمرکز داشت، به طور گسترده مطالعه کردیم. ۷۱ مقاله‌ای که ما در این جست‌وجو یافتیم، در دو بعد متمایز هستند: درجه تعمیم‌پذیری^۸ و مرحله فرآیند تأثیر^۹. به طور مشخص در حالی که برخی از مقالات، تعریف و یا

- 1- Market-based Organizations
- 2- Social Ventures
- 3- Hybrid Organizations
- 4- Construct
- 5- Social Performance
- 6- Social Responsibility
- 7- The Financial Times list of 50 highly ranked business journals
- 8- Degree of Generalizability
- 9- Stage in Impact Process

سنجش خود از تأثیرات اجتماعی را به تنها یک بخش^۱ محدود می‌کنند، سایرین را می‌توان در چندین بخش^۲ به کار بست. علاوه بر این، در حالی که برخی از نویسندگان به تعریف و یا سنجش فعالیت‌هایی^۳ پرداخته‌اند که ممکن است به پیامدها و تأثیرات اجتماعی سودمند منجر شود، برخی دیگر به تعریف و سنجش خود پیامدها^۴ پرداخته‌اند. با تکیه بر این ابعاد، ما نمونه خود را برای یک گونه‌شناسی^۵ سامان داده‌ایم، برخی از نمونه‌های مثال‌زدنی را برجسته کرده‌ایم و سپس با استفاده از بینش‌های حاصل از این نمونه مقالات چندرشته‌ای درباره مسیرهای تحقیقاتی آتی بحث می‌کنیم.

نظریه و پیش‌زمینه

تأثیر اجتماعی^۶، بخش مهمی از پدیده کارآفرینی اجتماعی است (Dacin & et al, 2010; Lumpkin & et al, 2011). هرچند ممکن است تأثیر اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته مبتنی بر عملکرد، مرتبط با کارآفرینی اجتماعی در نظر گرفته شود، با توجه به تکثر اصطلاحات و تنوع زمینه‌ها، بینش‌های درباره تأثیر اجتماعی تلاش کرده‌اند به یک انسجام برسند. برای مثال تأثیر اجتماعی در ادبیات با استفاده از عباراتی مانند ارزش اجتماعی^۷ (Moss & et al, 2011; Santos, 2012)، عملکرد اجتماعی (Hušted & et al, 2006; Mair & Marti, 2006; Nicholls, 2008)، بازده‌های اجتماعی^۸ (Emerson, 2003)، بازده اجتماعی سرمایه^۹ (Hall & et al, 2015) (SROI) و حسابداری اجتماعی^{۱۰} (Nicholls, 2009) مفهوم‌سازی شده است که با وجود تشابه، نشان‌دهنده گویه‌های متمایزی هستند. علاوه بر این تأثیر اجتماعی در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و درمان، پایداری محیط‌زیستی و فقر نیز مورد مطالعه قرار گرفته است که مقایسه آنها دشوار است (Izzo, 2013).

در میان اصطلاحات عمدتاً مترادفی که در ادبیات استفاده شده، ما برای حفظ یکپارچگی از اصطلاح تأثیر اجتماعی استفاده نمودیم. با توجه به مباحثات موجود درباره چگونگی تعریف این گویه پیچیده (Dacin & et al, 2010)، ما تأثیرات اجتماعی را به طور گسترده مفهوم‌سازی کردیم تا به بیشترین شمول ممکن

-
- 1- Single Sector
 - 2- Multiple Sector
 - 3- Activities
 - 4- Outcomes
 - 5- Typology
 - 6- Social Impact
 - 7- Social Value
 - 8- Social Returns
 - 9- Social Return on Investment
 - 10- Social Accounting

در نمونه‌گیری برسیم. با اقتباس از تعریف اخیر که استفان و همکاران (۲۰۱۶) بیان کرده‌اند، ما تأثیرات اجتماعی را به عنوان پیامدهای مفید منتج از رفتارهای خیرخواهانه‌ای^۱ تعریف می‌کنیم که مخاطبان هدف آن رفتار و یا جمع وسیع‌تری از افراد، سازمان‌ها و یا محیط‌ها از آنها بهره‌مند می‌شوند. این تعریف به اندازه کافی گسترده است تا جدیدترین رویکردهای مطالعه تأثیرات اجتماعی (برای مثال: Choi & Majumdar, 2014; Austin & et al, 2006) را در برگیرد و همزمان تشخیص دهد که تأثیرات اجتماعی شامل پدیده‌های متفاوت (برای مثال Stephan & et al, 2016) و جمعیت‌های هدف مختلف (برای مثال: Datta & Gailey, 2012) هم در نسل فعلی و هم در نسل آینده (برای مثال: Agle & et al, 2008) می‌شود.

اذعان داریم که تمرکز ما روی تأثیر اجتماعی با بخش عمده ادبیات نوظهور کارآفرینی اجتماعی که روی درک ویژگی‌های فردی کارآفرینان اجتماعی با تأکید بر اهداف شرافتمندانه آنان (Miller & et al, 2012; Peredo & Mclean, 2006)، اهداف، هویت و ارزش‌های آنان (Stevens & et al, 2015) یا رسالت‌های سازمان‌های مرتبط با آنها (Dacin & et al, 2011) متمرکز شده، متفاوت است.

این مطالعات غالباً فرض می‌گیرند سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند به مشکلات اجتماعی می‌پردازند (مانند کاهش فقر و کاهش بی‌سوادی)، نسبت به سازمان‌های بازارمحور سنتی، به احتمال بیشتری به چنین اهدافی می‌رسند و یا دلسوزتر و نیک‌خواه‌تر هستند (Miller & et al, 2012). با این حال چون هدف اصلی ما در این مقاله، بررسی سنجش پیامدهای منتج از رفتارهای خیرخواهانه‌ای است که به عنوان عنصر تعیین‌کننده کارآفرینی اجتماعی قلمداد می‌شود (Kania & Kramer, 2011; Nicholls, 2009)، بحث درباره نیت‌ها و انگیزه‌های اجتماعی را به دیگران می‌سپاریم.

روش‌شناسی

از آنجا که تأثیر اجتماعی می‌تواند به طرق متعددی بروز یابد، ابتدا اذعان می‌کنیم که اندیشمندان مدیریت و کارآفرینی از حوزه‌های متعددی می‌توانند بیاموزند. بنابراین ما برای شناسایی مقالاتی که تأثیرات اجتماعی را مطالعه کرده، طی دو دهه اخیر (۱۹۹۶-۲۰۱۶) منتشر شده بودند، با استفاده از پایگاه داده ABI Inform، یک جست‌وجوی الکترونیکی انجام دادیم. ما مقالات منتشر شده در مجلات FT50 را هدف قرار دادیم، زیرا از باکیفیت‌ترین مجله‌ها در حوزه‌های مختلف کسب‌وکار مانند حسابداری، اقتصاد، کارآفرینی، اخلاق، مالی، سیستم‌های

اطلاعاتی، مدیریت، بازاریابی و عملیات^۱ هستند. از آنجا که اصطلاحات مورد استفاده برای پرداختن به مبحث تأثیر اجتماعی، درون و بین حوزه‌های مختلف، متفاوت است، ما انواع مختلف کلمات کلیدی را که برای مفهوم‌سازی این گویه استفاده شده است، در جست‌وجوی خود گنجانیدیم: «ارزش اجتماعی»، «تأثیر اجتماعی»، «بازده اجتماعی»، «عملکرد محیط زیستی»، «سنجش تأثیر»، «مانده سه‌گانه^۲»، «عملکرد اجتماعی»، «عملکرد غیرمالی»، «تأثیر محیط زیستی» و «حسابداری اجتماعی». پیرو روش استاندارد در مطالعه ادبیات (مانند: Newbert, 2007; David & Han, 2004)، برای افزایش احتمال یافتن مقالاتی که تمرکز اصلی آنها بر تأثیر اجتماعی بود، لازم دانستیم که کلمات کلیدی در چکیده آنها ذکر شده باشند.

به دو دلیل ما عمداً اصطلاح «مسئولیت اجتماعی» و انواع آن (مانند «سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی^۳» و «از نظر اجتماعی مسئولانه^۴») را از جست‌وجوی خود خارج کردیم. نخست اینکه این ادبیات را (به همراه ادبیات عملکرد اجتماعی شرکت [CSP^۵]) پیشتر باکر، خرونووقن و هونت^۶ (۲۰۰۵) بررسی کرده‌اند، بنابراین ما به دنبال تکرار کار آنها نیستیم. دوم اینکه به دلیل استفاده گسترده و تاحدودی ناسازگار از مسئولیت اجتماعی در ادبیات، بسیاری از کارها در این زمینه مماس با تأثیرات اجتماعی است. در واقع در میان انبوه مقالات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، تنها یک اقلیت در صدد نظریه‌پردازی درباره تأثیر اجتماعی و سنجش آن بوده‌اند. بنابراین به جای جست‌وجوی چنین اصطلاح گسترده‌ای که می‌توانست نمونه اولیه را به مراتب فراتر از مرزهای بررسی فعلی ما بسط داده و در نتیجه فرآیند گردآوری را پیچیده کند، تصمیم گرفتیم که جست‌وجوی خود را مستقیماً بر گویه مورد نظر متمرکز کنیم. توجه به این نکته ضروری است که چنین رویکردی لزوماً همه مقالات مربوط به مسئولیت اجتماعی را از نمونه خارج نمی‌کند (در واقع نمونه حاصله بسیاری از مقالاتی را که در آن مسئولیت اجتماعی یک گویه مهم بوده است (مانند: Dillenburg & et al, 2003) شامل می‌شود)؛ بلکه تنها این الزام را ایجاد می‌کند که هر مقاله‌ای که با موضوع مسئولیت اجتماعی در جست‌وجو یافت شده است، بر تأثیر هرگونه طرح مسئولانه اجتماعی به شدت متمرکز شده باشد. این کار را ابتدا با حصول اطمینان از اینکه مقاله حداقل یکی از اصطلاحات جست‌وجوی یادشده را در بر

- 1- Operations
- 2- Triple Bottom Line
- 3- Socially Responsible Investment
- 4- Socially Responsible
- 5- Corporate Social Performance
- 6- Bakker, Groenewegen, and Hond

گرفته باشد، بررسی کردیم. در نتیجه، برخی مقالات درباره موضوعات مرتبط مانند سرمایه‌گذاری مسئولانه اجتماعی (Cumming & Johan, 2007) و کارآفرینی اجتماعی (Moss & et al, 2015) در نمونه اولیه لحاظ نشده‌اند.

از طریق رویه بالا، نمونه اولیه‌ای با ۲۷۳ مقاله به دست آمد. برای اطمینان بیشتر از تناسب نمونه، متن کامل هر مقاله را خواندیم و مقالاتی را که شکلی از تأثیر اجتماعی را تعریف یا سنجش نکرده بودند، حذف کردیم. برای مثال، مقالاتی که معیارهای جست‌وجوی ما را داشتند، اما یا بر موضوعات مرتبط مانند «جهت‌گیری ارزش اجتماعی» (Fiedler & et al, 2013) یا «مسئولیت اجتماعی شرکت» (Berniss & et al, 2013) متمرکز شده بودند و فقط به اصطلاحات جست‌وجوی مارچاکی گذرا داده بودند، یا اصطلاحات جست‌وجو را به عنوان شکلی از تأثیر اجتماعی به طور صریح مفهوم‌سازی نکرده بودند، از مطالعه خارج شدند. پس از این حذفیات، نمونه نهایی، ۷۱ مقاله را در بر گرفت که این تعداد مقاله در مقایسه با سایر مرورهای اخیر ادبیات (Bae & et al, 2014; Rawhouser & et al. 3 Perry, Chandler, & Markova, 2012; Slotte-Kock & Coviello, 2010) به ترتیب با نمونه‌های ۷۳، ۲۶ و ۱۸ مقاله‌ای، قابل توجه است (برای جزئیات کامل به پیوست مراجعه کنید).

نتایج

خلاصه آماری

خلاصه‌ای از خصوصیات اصلی نمونه مادر جدول ۱ آمده است. همان‌طور که در این جدول نشان داده شده است، این مقالات در ۲۱ مجله FT50 با زمینه‌های حسابداری، اقتصاد، کارآفرینی، اخلاق، سیستم‌های اطلاعاتی، مدیریت، بازاریابی و عملیات درج شده‌اند. این توزیع نشان‌دهنده علاقه گسترده به تأثیرات اجتماعی و اهمیت انجام یک مرور فراگیر است. در عین حال متوجه شدیم که ۵۲ مورد از ۷۱ مقاله در نمونه ما، در مجلات درون چتر رشته مدیریت (مدیریت، اخلاق و کارآفرینی) و ۳۰ مورد از آنها در مجله اخلاق تجارت منتشر شده است. این نسبت زیاد مقالات منتشر شده در مجله اخلاق تجارت با توجه به اینکه مطالعه عملکرد اجتماعی شرکت برای رسالت مجله موضوعی حائز اهمیت است، تعجب‌برانگیز نیست. توزیع فعلی مقالات نیز افزایش چشمگیر علاقه به تأثیرات اجتماعی را نشان می‌دهد، به طوری که از ۷۱ مقاله، ۳۲ مورد طی پنج سال گذشته و ۵۵ مورد طی ده سال گذشته منتشر شده‌اند. چنین آماری حاکی از وجود نیاز به این مرور ادبیات است.

جدول ۱- خلاصه آماری

| سنجش | | سنجه / سنجه‌ها | | مقاله | |
|-------|-----------------|----------------|-------------------------|-------|--------------------|
| تعداد | نوع | تعداد | اصطلاح | تعداد | رشته |
| ۳۳ | کمی | ۱۹ | عملکرد اجتماعی شرکت | ۳۰ | اخلاق |
| ۱۳ | مدل سازی | ۱۹ | عملکرد اجتماعی | ۱۸ | مدیریت |
| ۱ | کیفی | ۱۲ | تأثیر اجتماعی | ۱۴ | عملیات |
| ۳ | توصیفی | ۱۱ | تأثیر محیط زیستی | ۴ | کارآفرینی |
| ۶ | مفهومی | ۱۰ | ارزش اجتماعی | ۲ | بازاریابی |
| ۴ | نظری | ۵ | عملکرد محیط زیستی | ۱ | حسابداری |
| تعداد | داده | ۱ | کارایی محیط زیستی | ۱ | اقتصاد |
| ۱۵ | اولیه | تعداد | تعریف | ۱ | سیستم‌های اطلاعاتی |
| ۳۰ | ثانویه | ۱۵ | نمود خارجی | تعداد | سال |
| تعداد | زمینه جغرافیایی | ۱۳ | اصول، فرآیندها، پیامدها | ۱ | ۱۹۹۶ |
| ۳۶ | صنعتی | ۱۰ | تعریف از طریق مثال | ۰ | ۱۹۹۷ |
| ۸ | در حال توسعه | ۱۰ | بدون تعریف | ۱ | ۱۹۹۸ |
| ۱ | هر دو | ۸ | گوناگون | ۱ | ۱۹۹۹ |
| ۲۶ | نامعلوم | ۶ | تأثیر ذی نفع | ۰ | ۲۰۰۰ |
| | | ۳ | چرخه عمر محصول | ۱ | ۲۰۰۱ |
| | | ۲ | مردم، منافع و کره زمین | ۱ | ۲۰۰۲ |
| | | ۲ | استفاده از منابع | ۲ | ۲۰۰۳ |
| | | ۲ | حل مسئله | ۰ | ۲۰۰۴ |
| | | | | ۳ | ۲۰۰۵ |
| | | | | ۶ | ۲۰۰۶ |
| | | | | ۲ | ۲۰۰۷ |
| | | | | ۳ | ۲۰۰۸ |
| | | | | ۵ | ۲۰۰۹ |
| | | | | ۷ | ۲۰۱۰ |
| | | | | ۶ | ۲۰۱۱ |
| | | | | ۶ | ۲۰۱۲ |
| | | | | ۸ | ۲۰۱۳ |
| | | | | ۵ | ۲۰۱۴ |
| | | | | ۸ | ۲۰۱۵ |
| | | | | ۵ | ۲۰۱۶ |

در جدول ۱ ما همچنین چگونگی مفهوم‌سازی تأثیر اجتماعی توسط محققان را خلاصه کردیم. با توجه به گستردگی اصطلاحات جست‌وجوی ما، جای تعجب نیست که از برچسب‌های زیادی برای این‌گویه استفاده شده باشد. در حالی که گستردگی این اصطلاحات برای محققانی که به دنبال انجام کارهای مشابه هستند، چالش برانگیز است، ما متوجه دو الگوی جالب شدیم. اول آنکه ۲۶ مورد از ۳۲ مقاله رشته اخلاق، تأثیر اجتماعی را برحسب «عملکرد اجتماعی شرکت» یا «عملکرد اجتماعی» و ۱۲ مورد از ۱۴ مقاله رشته عملیات، آن را برحسب «تأثیر محیط زیستی»، «عملکرد محیط زیستی» یا «کارایی محیط‌زیستی^۱» مفهوم‌سازی کرده بودند که این نشان می‌دهد تحقیقات در این رشته‌ها نسبت به سایر رشته‌ها به اجماع بیشتری دست یافته‌اند. دوم آنکه ۱۰ مورد از ۳۹ مقاله‌ای که به فعالیت‌ها و پیامدهای مربوط به عملکرد پرداخته بودند، متکی به داده‌های KLD^۲ یا MSCI^۳ هستند و ۹ مورد از ۱۷ مقاله‌ای که فعالیت‌ها و پیامدهای مربوط به محیط‌زیست را بررسی می‌کنند، از رویکرد مدل‌سازی استفاده می‌کنند که این امر نیز نشان می‌دهد که در این جریان‌های تحقیقاتی درباره رویکردهای سنجش و یا تحلیل، اتفاق نظرهایی وجود دارد.

در کنار گستردگی اصطلاحات مورد استفاده در این تحقیقات، تعاریفی مختلفی که برای تأثیر اجتماعی به کار می‌رود نیز وجود دارد. متداول‌ترین رویکرد تعریفی، تأثیر اجتماعی را برحسب نمود خارجی^۴ تعیین می‌کند. نمودهای خارجی، پیامدهای حاصل از فعالیت اقتصادی است که از کارکردهای عینی افراد درگیر در این فعالیت فراتر می‌رود (Santos, 2012). برای مثال شولر و کوردینگ، عملکرد اجتماعی در سطح سازمانی را به طور کلی به عنوان «عمل تجاری داوطلبانه‌ای (یعنی عملی که مستقیماً توسط مقررات دولتی حکم نشده باشد) تعریف می‌کنند که دارای اثرات اجتماعی یا حزب‌سومی^۵ است» (Schuler & Cording, 2006: 540)، در حالی که سالازار^۶ و همکاران (۲۰۱۲) به طور خاص‌تر استدلال می‌کنند که عملکرد اجتماعی در سطح پروژه برحسب پیشرفت به سمت اهداف توسعه انسانی ارزیابی می‌شود (Sen, 1999). همچنین در تعریف تأثیر اجتماعی به طور متداولی مفهوم‌سازی عملکرد اجتماعی وود

-
- 1- Environmental Efficiency
 - 2- Kinder, Lydenberg, Domini
 - 3- Morgan Stanley Capital International
 - 4- Externalities
 - 5- Third-Party Effects
 - 6- Salazar

(Wood, 1991: 693) مورد اقتباس قرار می‌گیرد که آن را به عنوان «پیکربندی اصول مسئولیت اجتماعی، فرآیندهای پاسخگویی اجتماعی و سیاست‌ها، برنامه‌ها و پیامدهای مشهود یک سازمان تجاری که به روابط اجتماعی شرکت مربوط می‌شود» و یا آنچه ما آن را «اصول، فرآیندها، پیامدها» می‌نامیم، قلمداد می‌کنند. رویکردهای دیگر از این دقت برخوردار نیستند و تأثیرات اجتماعی را با مثال تعریف می‌کنند یا تعاریف مفهومی روشنی ارائه نمی‌کنند. در کمال تعجب، در حالی که ۱۰ مقاله در نمونه ما، تأثیرات اجتماعی را به عنوان یک گویه کانونی مدنظر قرار داده، متعاقباً آن را به صورت تجربی سنجیده بودند (بنابراین معیارهای شمول در مطالعه ما را داشتند)، تعریف صریح یا حتی ضمنی از اصطلاح تأثیر اجتماعی ارائه نداده بودند.

همچنین جدول ۱ در انتها جزئیاتی درباره سنجش ارائه می‌دهد. اکثریت قریب به اتفاق مقالات تجربی (۳۳ مورد از ۴۵ مقاله) از روش‌های کمی استفاده کرده‌اند که اکثر آنها (۳۰ مورد از ۴۵ مقاله) به داده‌های ثانویه متکی هستند. ۳۶ مورد از ۴۵ مقاله تجربی، داده‌های خود را در کشورهای صنعتی گردآوری کرده‌اند، در حالی که ۸ مورد از این ۴۵ مقاله از داده‌های اقتصادی در حال توسعه یا نوظهور و یک مورد (Bartling & et al, 2015) از داده‌های گردآوری شده در هر دو بستر [اقتصادی] استفاده کرده‌اند. در میان مقالات غیر تجربی موجود در نمونه، ۱۳ مورد از ۲۶ مقاله که عمدتاً مربوط به رشته عملیات بودند، از یک روش مدل‌سازی استفاده می‌کردند، در حالی که فقط ۴ مورد که همگی از رشته مدیریت بودند، سعی در نظریه‌پردازی داشتند.

گونه‌شناسی

با مرور نمونه، ناهمگونی رویکردها برای بررسی تأثیر اجتماعی آشکار شد. از طریق یک فرآیند تکراری برای مقایسه معیارهای مرتبط و همچنین زبان مورد استفاده برای تبیین مفهوم‌های مختلف تأثیرات اجتماعی، دو بعد را برای ساخته‌دهی به این مرور شناسایی کردیم: مرحله فرآیند تأثیر اجتماعی (فعالیت در مقابل پیامد) و تعمیم‌پذیری کاربست (چندبخشی در برابر تک‌بخشی) (جدول ۲ را ملاحظه کنید).

جدول ۲- گونه‌شناسی مقالات تأثیرات اجتماعی

| پیامد | فعالیت | |
|---|---------------------------------------|---------|
| Agle and Kelley (2001) | Bartling et al. (2015) | چندبخشی |
| Agrawal et al. (2012) | Boulouta (2013) | |
| Agrawal and Ullku (2013) | Brammer and Pavelin (2006) | |
| Atasu and Souza (2013) | Chen and Delmas (2011) | |
| Berrone et al. (2010) | Chen et al. (2008) | |
| Chen and Delmas (2012) | Corner and Ho (2010) | |
| di Norcia (1996) | Crilly et al. (2016) | |
| Galbreth et al. (2013) | Cuesta-Gonzalez et al. (2006) | |
| Hall et al. (2015) | Dillenburg et al. (2003) | |
| Husted et al. (2006) | Gauthier (2005) | |
| Jamali and Mirshak (2007) | Igalens and Gond (2005) | |
| Jo et al. (2015) | Ioannou and Serafeim (2012) | |
| Kaplan and Grossman (2010) | Jamali (2008) | |
| Kroeger and Weber (2014) | Jenkins (2006) | |
| Marom (2006) | Kang (2013) | |
| McWilliams and Siegel (2011) | Kleine and von Hauff (2009) | |
| O'Dwyer (2005) | Liston-heyas and Ceton (2009) | |
| Ovchinnikov, Blass, and Raz (2014) | Manner (2010) | |
| Pagell and Gobeli (2009) | McGuire, Dow, and Argeyhd (2003) | |
| Quariguasi-Frota-Neto and Bloemhof (2012) | Oikonomou, Brooks, and Pavelin (2014) | |
| Raz, Druehl, and Blass (2013) | Schreck (2011) | |
| Renouard (2011) | Shaukat et al. (2016) | |
| Romijn and Canie (2011) | Soleimani et al. (2014) | |
| Schuler and Cording (2006) | Stanwick and Stanwick (1998) | |
| Stephan et al. (2016) | Van der Laan et al. (2008) | |
| Stuart, Ammons, and Turbini (1999) | Wagner (2010) | |
| Tobias et al. (2013) | Wu and Pagell (2011) | |
| Van Woensel et al. (2001) | | |
| Battilana et al. (2015) | Bai (2013) | تکبخشی |
| Brickson (2007) | Casselmann et al. (2015) | |
| Di Domenico et al. (2010) | Goh et al. (2016) | |
| Dobson and Gerstner (2010) | Peng and Yang (2014) | |
| Kneiding and Tracey (2009) | Simpson and Kohers (2002) | |
| Murali et al. (2015) | | |
| Pitsakis et al. (2015) | | |
| Randøy et al. (2015) | | |
| Salazar et al. (2012) | | |
| Utting (2009) | | |
| Zahra and Wright (2016) | | |

هرچند همه محققان تأثیر اجتماعی در نهایت به [بررسی] آثار تلاش‌های خیرخواهانه یک سازمان علاقه‌مند هستند، آنها تمام این پیامدها را به صراحت در پژوهش‌های خود مدل‌سازی نمی‌کنند. به طور خاص، برخی از محققان درباره اثر رفتارهای خیرخواهانه یک سازمان بر اهداف مورد نظر خود و یا اجتماع گسترده‌تری از افراد، سازمان‌ها و محیط‌ها نظریه‌پردازی می‌کنند و یا آنها را ارزیابی می‌کنند. برای مثال توبیاس، مایر و باربوسا-لیکر^۱ (۲۰۱۳)، تأثیر اجتماعی کارآفرینی را بر حسب کاهش فقر و کاهش تعارض سنجیده‌اند. ما چنین مقالاتی را در زمره رویکردهای پیامد مقوله‌بندی می‌کنیم. با این حال اندیشمندان دیگر با این فرض که یک فعالیت خیرخواهانه ناگزیر به منافع مورد نظر منجر خواهد شد، نظریه‌پردازی و سنجش را به خود رفتار خیرخواهانه محدود می‌کنند. برای مثال پنگ و یانگ^۲ (۲۰۱۴)، تأثیر اجتماعی را به عنوان عمل سرمایه‌گذاری یک شرکت روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی (با فرض اینکه منجر به کاهش آلودگی و مزایای مثبت اجتماعی دیگر خواهد شد) می‌سنجند. به پیروی از سالازار و همکاران^۳ (۲۰۱۲)، ما نیز چنین مقالاتی را در زمره رویکرد فعالیت مقوله‌بندی می‌کنیم. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۳۲ مورد از ۷۱ مقاله موجود در نمونه ما، رویکرد پیامدی^۳ را اتخاذ کرده‌اند، در حالی که ۳۹ مورد از آنها رویکرد فعالیتی^۴ را به کار گرفته‌اند. جالب است که ۷ مورد از ۱۰ مقاله‌ای که به تعریف تأثیر اجتماعی نپرداخته‌اند، رویکرد فعالیتی را دنبال می‌کنند. گمان می‌کنیم این روند از تصمیم محققان، مبنی بر جایگزینی تأثیر فرضی فعالیت خیرخواهانه به جای تعریف مفهومی گویه‌نشأت می‌گیرد. از میان ۳۲ مقاله‌ای که تعریفی از تأثیر اجتماعی ارائه داده‌اند، ۱۱ موردی که از رویکرد فعالیتی بهره می‌برند، بر اساس مفهوم‌سازی وود (۱۹۹۱) یعنی «اصول، فرآیندها و پیامدها» (که در وهله اول، رویکردی مبتنی بر مسئولیت اجتماعی شرکت یا عملکرد اجتماعی شرکت برای سنجش تأثیر اجتماعی است) شکل گرفته بودند؛ در حالی که بیشتر مؤلفان پیرو رویکرد پیامدی (۱۱ نفر از ۳۹ نفر)، تأثیر اجتماعی را بر حسب نمود خارجی تعریف کرده بودند (که در درجه اول، رویکردی اقتصادی برای سنجش تأثیر اجتماعی است).

همچنین دریافتیم که مقالات موجود در نمونه در این پیش‌فرض که تأثیرات اجتماعی در بین بخش‌ها دارای قابلیت مقایسه هستند یا خیر، متفاوت

- 1- Tobias, Mair and Barbosa-Leiker
- 2- Peng & Yang
- 3- Outcome Approach
- 4- Activity Approach

هستند. به طور خاص، برخی نویسندگان تأثیر اجتماعی را به عنوان یک گویه گسترده که می‌تواند به بسیاری از بخش‌های مختلف تعمیم یابد، مفهوم‌سازی و یا سنجش کرده‌اند. برای مثال شرکت^۱ (۲۰۱۱)، تأثیر عملکرد اجتماعی بر عملکرد مالی ۲۹۴ شرکت سهامی عام از ۲۴ کشور مختلف را در صنایع خودروسازی، بانکی و مالی، مواد شیمیایی، مواد غذایی، لوازم خانگی، بیمه، ماشین‌آلات، فلزات و معادن، نفت و گاز، داروسازی و زیست‌فناوری، ارتباطات و مخابرات، حمل‌ونقل و لجستیک بررسی کرده است. ما مقالاتی از این دست را در زمره رویکردهای چندبخشی مقوله‌بندی می‌کنیم.

در مقابل، دیگر محققان تأثیر اجتماعی را به عنوان یک گویه با دامنه متوسط مفهوم‌سازی می‌کنند که فقط به یک بخش خاص قابل تعمیم است. برای مثال اوتینگ^۲ (۲۰۰۹)، تحلیل خود را روی تأثیرات اجتماعی تجارت منصفانه^۳ بر کارگران مناطق تولید قهوه جینوتگا و ماتاگالپا^۴ در شمال نیکاراگوئه متمرکز کرده است. ما چنین مقالاتی را در زمره مقالات با رویکرد تک‌بخشی مقوله‌بندی می‌کنیم. به عبارت دیگر، یک رویکرد چندبخشی شامل سنجش فعالیت‌ها و یا پیامدهایی می‌شود که به قدری عمومیت دارند که می‌توان آنها را در چندین بخش مختلف مشاهده کرد. رویکرد تک‌بخشی بر سنجش فعالیت‌ها یا پیامدهای در یک بخش خاص تمرکز دارد.

همان‌طور که در جدول (۲) نشان داده شده است، اکثریت مقالات نمونه (۵۴ مورد از ۷۱ مقاله)، رویکرد چندبخشی را اتخاذ کرده‌اند. به عنوان مثال کروگر و وبر^۵ (۲۰۱۴)، سنجش ارزش اجتماعی را از منظر ادراک ذی‌نفعان نسبت به رفاه در زمینه‌های مختلف و در ارتباط با فعالیت‌های مختلف مطرح کرده‌اند. رفاه بر حسب رضایت از زندگی (مابه‌التفاوت آرزوها و دستاوردها) در قلمرو تجربه سنجیده می‌شود. بهبود رضایت از زندگی در نسبت با نیازهای اجتماعی سنجیده می‌شود و در زمینه‌های متنوعی قابلیت مقایسه دارد. در مقابل، تنها ۱۷ مورد از ۷۱ مقاله نمونه ما، رویکرد تک‌بخشی را اتخاذ کرده‌اند. برای مثال اوتینگ (۲۰۰۹)، یک «چارچوب ارزیابی تأثیر» را برای ضبط تأثیرات تجارت منصفانه بر قهوه‌کاران نیکاراگوئه‌ای طراحی کرده است. هرچند او اظهار داشته که این چارچوب با زمینه‌های متعدد دیگری نیز سازگار است، این ابزار برای سنجش پیامدهای مربوط به یک زمینه خاص طراحی شده است.

1- Schreck

2- Utting

3- Fair Trade

4- Jinotega & Matagalpa

5- Kroeger and Weber

متوجه شدیم که بیش از نیمی از مقالات تک‌بخشی (۱۰ مورد از ۱۷ مقاله)، تأثیر اجتماعی را برحسب نمود خارجی یا با مثال تعریف کرده‌اند. در مقالات پیرو رویکرد چندبخشی، ۱۱ مورد از ۵۴ مقاله از تعریف اصول، فرآیندها و پیامدهای وود و ۹ مورد از نمودهای خارجی استفاده کرده‌اند، در حالی که برخی دیگر از این مقالات، تعاریف منحصربه‌فردی را در این رویکرد، از جمله «تأثیر ذی‌نفع^۱» (۶ مورد) و «مردم، منافع و کره زمین^۲» (۲ مورد) به کار برده‌اند. ما از ابعاد یادشده برای سازمان‌دهی مقالات نمونه در قالب یک نوع‌شناسی استفاده کردیم و به وسیله آن، مروری را که در ادامه ارائه می‌شود، ساختار داده‌ایم. با توجه به تعداد زیاد مقاله در نمونه، به توصیف جزئیات هر یک نمی‌پردازیم؛ در عوض، با تکیه بر مطالعاتی که در وضوح نظری یا دقت تجربی حکم نمونه و سرمشق را دارند، الگوهای کلی موجود در بین تمام مقالات را بررسی می‌کنیم. ما معتقدیم که توجه ما نسبت به هم‌وسعت و هم‌عمق، پایه محکمی را برای محققانی که به دنبال پیشبرد تحقیقات در این زمینه هستند، فراهم می‌آورد.

فعالیت چندبخشی

این بخش را با بحث درباره مقالاتی که فعالیت‌ها را در چندین بخش مقایسه می‌کنند، شروع می‌کنیم. ده مورد از این مقالات از مجموعه داده شاخص اجتماعی KLD (اکنون MSCI) استفاده کرده‌اند که نقاط قوت و دغدغه‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی فعالیت‌های شرکت‌های عمومی را در چند مقوله از جمله اجتماع، گوناگونی، روابط کارکنان، محیط‌زیست و محصولات گزارش می‌دهد. ساده‌ترین عملی که در نمونه ما با داده‌های KLD شده بود، تفریق نگرانی از نقاط قوت به منظور سنجش کلی عملکرد اجتماعی (Liston-heyse & Ceton, 2009) بود. با این حال چندین رویکرد دیگر، از جمله استفاده از شاخص‌های فقط مثبت یا فقط منفی (Chen & et al, 2008) یا ابعاد تفکیک‌پذیر (Van der Laan & et al, 2008) نیز اتخاذ شده بود.

هشت مطالعه دیگر با استفاده از داده‌های ثانویه^۳ EIRIS (مانند: Brammer & Pavelin, 2006)، ASSET4 تامسون رویترز (مانند: Ioannou & oekom (Schreck, 2011)، تحقیقات (Serafeim, 2012)، Innovešt (Crilly & et al, 2016)، رتبه‌بندی شاخص شهرت شرکت‌های Fortune (Stanwick & Stanwick, 1998) و

پیمان جهانی سازمان ملل متحد^۱ و طرح گزارش جهانی^۲ (Soleimani & et al, 2014) از روش‌های کمی بهره برده بودند. هر چند به جز یک مورد، تمام این مطالعات، تأثیرگذاری اجتماعی را بر اساس رتبه‌سنجی (عموماً برگرفته از مسائل محیط‌زیستی، اجتماعی، حکمرانی و یا موضوعات مرتبط دیگر) عملیاتی‌سازی کرده‌اند، هر کدام از رتبه‌بندی‌های متفاوتی بهره برده‌اند، حتی آنهایی که از یک مجموعه داده واحد استفاده کرده بودند (برای مثال Brammer & Pavelin, 2006; Cuesta-Gonzalez & et al, 2006).

رویکرد فعالیت چندبخشی شامل چهار مطالعه موردی توصیفی می‌شد که روش‌های جدیدی را برای سنجش تأثیر اجتماعی نشان داده بودند. همچنین دو مطالعه دیگر نیز در این رویکرد وجود داشت که برای هدایت چگونگی لحاظ کردن تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی بر هر یک از ذی‌نفعان داخلی و خارجی، فرآیندهایی مفهومی (مانند ابزار «بسط‌یافته» تحلیل چرخه عمر محصول (Gauthier, 2005)) ارائه می‌کردند. برخلاف مقالات کمی که شرکت‌های بزرگ را با استفاده از داده‌های ثانویه تحلیل می‌کنند، بیشتر مطالعات موردی بر نمونه‌های سازمانی (مثلاً مؤسسات خیریه تجارت منصفانه با یک شرکت تابعه غیر انتفاعی برای اهالی تبت (Corner & Ho, 2010)) یا شرکت‌های کوچک برنده جایزه در انگلستان (Jenkins, 2006) متمرکز شده‌اند. آزمایش بارتلینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مدل‌سازی تأثیرات اجتماعی منفی بی‌نظیر است که در آن با ارائه مثال‌هایی از قبیل آسیب‌های محیط‌زیستی، حیوان‌آزاری و اجبار کارگر، می‌آزماید که آیا مصرف‌کنندگان [محصول] حاضر هستند برای کاهش نموده‌های خارجی منفی مشابه، هزینه‌ای پرداخت کنند یا خیر.

پیامد چندبخشی

مقالات موجود در این گونه، تأثیر اجتماعی را به عنوان یک پیامد قابل سنجش و قابل مقایسه در بین چند زمینه مختلف مفهوم‌سازی می‌کنند. هشت مقاله از دیدگاهی مفهومی یا نظری به تأثیرات اجتماعی پرداخته‌اند. برخی از این مقالات، تأثیر اجتماعی را به روش‌ها یا نظریه‌های موجود ارتباط می‌دهند؛ از جمله نظریه‌های ذی‌نفعان و مطلوبیت اقتصادی^۴ (Marom, 2006)، مصادیق سنجش متمایز نظریه مبتنی بر منابع، مانند نیاز به سنجش جداگانه ذی‌نفعان (Marom, 2006)، استفاده از قیمت‌گذاری دوگانه^۵ برای تعیین ارزش

- 1- United Nations Global Compact
- 2- Global Reporting Initiative
- 3- Bartling
- 4- Stakeholder and Economic Utility Theories
- 5- Hedonic Pricing

اجتماعی اقدامات (McWilliams & Siegel, 2011)، تجمیع توسعه اقتصادی و ظرفیت‌های ارتباطی در سطح جمعی (Renouard, 2011) و استفاده از سنج‌های «مستقیم»^۱ تأثیر اجتماعی (مثل عدالت شغلی، ایمنی محل کار و بهداشت) به جای سنج‌های غیر مستقیم (مثل تعهدات، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده) (di Norcia, 1996). همچنین کروگر و وبر (۲۰۱۴) با استفاده از سنج‌های نسبی و ذهنی رفاه، یک چارچوب نظری جامع برای مقایسه ارزش‌آفرینی اجتماعی در بین صنایع [مختلف] ارائه کرده‌اند. در نظریه آنها، ارزش‌آفرینی اجتماعی، مداخله‌ای است که موجب کاهش نیاز اجتماعی نسبی گروه مورد بررسی می‌شود (Kroeger & Weber, 2014: 524) که این نشان می‌دهد سنجش تأثیر اجتماعی، چیزی بیش از جمع کل مطلوبیت اجتماعی در بین گروه‌های تحت تأثیر است.

یازده مقاله پیامد چندبخشی، مدل‌های تحلیلی‌ای ارائه کرده‌اند که عمدتاً تأثیرات محیط زیستی فعالیت‌های خاص یک شرکت، مانند تولید (برای مثال: Agrawal & Ulku, 2013)، استفاده مجدد از محصول^۲ (Galbreth & et al, 2013)، تولید مجدد یا باز یافت^۳ (Atasu & Souza, 2013)، توزیع و پخش (Agrawal & et al, 2012) یا مسیریابی ترافیکی توزیع محصول^۴ (Van Woensel & et al, 2001) را پیش‌بینی می‌کند. یک مدل نظری که هاستد^۵ و همکاران (۲۰۰۶) (خارج از زمینه تولید) ارائه کرده‌اند، شرایطی را مشخص می‌کند که در آن «خروجی اجتماعی» یک شرکت باعث بیشینه‌سازی ارزش سهامداران می‌شود. این محققان، تأثیر را بر حسب نمود خارجی حاصل از تولید «منافع اجتماعی»^۶ (مانند افزایش درآمد ناشی از تأمین بورس‌های تحصیلی) و حذف «مضار اجتماعی»^۷ (مانند کاهش برخی بیماری‌ها به دلیل کاهش سطح آلودگی) تعریف کرده‌اند.

چهار مقاله پیامد چندبخشی از روش مطالعه موردی استفاده کرده‌اند. جمالی و میرشاک^۸ (۲۰۰۷)، فعالیت‌های متمرکز اجتماعی هشت شرکت لبنانی فعال در بخش‌های مختلف را توصیف نموده‌اند. اودوایر^۹ (۲۰۰۵) نشان داده است که چگونه سنجش تأثیر اجتماعی می‌تواند با مقاومت روبه‌رو شود.

-
- 1- Direct Measures
 - 2- Product Reuse
 - 3- Remanufacturing or Recycling
 - 4- Product Distribution Traffic Routing
 - 5- Husted
 - 6- Social Goods
 - 7- Social Bads
 - 8- Jamali and Mirshak
 - 9- O'Dwyer

رومین و کانلیز^۱ (۲۰۱۱)، تحمل هزینه‌های ناخواسته اجتماعی و محیط‌زیستی توسط اقشار آسیب‌پذیر را برجسته ساخته‌اند و کاپلان و گروسمن^۲ (۲۰۱۰)، دو سیستم پیچیده سنجش تأثیر اجتماعی را مبتنی بر ارزش فعلی تخفیف‌یافته جریان درآمدی شرکت‌کنندگان در یک برنامه و سال‌های زندگی تعدیل‌شده بر اساس کیفیت و تحلیل شایستگی‌های عمومی (عملکرد کارکنان و حفظ دانشجویان) و تأثیرات مستقیم (کیفیت مدرسه و معیارهای کلی پیشرفت دانشجویی) تشریح کرده‌اند.

پنج مقاله در این‌گونه با بهره‌گیری از تحلیل کمی، تأثیر اجتماعی را با سنجه‌های مالی (Jo & et al, 2015)، سنجه‌های غیر مالی (Berrone et al, 2010; Pagell & Gobeli, 2009) و ترکیبی از این دو (Agle & Kelley, 2001; Tobias & et al, 2013) عملیاتی‌سازی کرده‌اند. تعدادی از این مقالات همچنین از سنجه‌های تأثیرات محیط‌زیستی استفاده کرده‌اند. برای مثال جو^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، از پایگاه داده تأثیرات محیط‌زیستی Trucost استفاده کرده‌اند که هزینه دلاری تحمیل‌شده به جامعه ناشی از آلاینده‌های انتشاریافته توسط یک شرکت را محاسبه می‌کند؛ در حالی که برون^۴ و همکاران (۲۰۱۰) و پاگل و و گوبلی^۵ از مجموعه داده‌های Inventory Toxic Release استفاده کرده‌اند که داده‌های تجمیعی آلاینده‌های انتشاریافته را بر اساس پتانسیل سمی بودن هر ماده برای انسان مورد قیاس قرار می‌دهد. سایر مقالات برای جلوگیری از ایجاد روابط جانب‌دارانه یا گمراه‌کننده (Agle & Kelley, 2001)، از گردآوری ابعاد مختلف دفاع کرده‌اند. توبیاس^۶ و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای درباره صنعت قهوه رواندا، این رویکرد را با استفاده از ترکیب شاخص‌های اقتصادی، رفاه ذهنی (به کروگر و وبر، ۲۰۱۴ مراجعه کنید) و ارزیابی‌های کاهش تعارضات اجتماعی (به رنوارد^۷، ۲۰۱۱ مراجعه کنید) عملی کرده‌اند تا ارزش اجتماعی حاصل از مشارکت کارآفرینانه را بسنجند. این رویکرد، روابط متقابل معنی‌دار بین سنجه‌های اقتصادی و سایر سنجه‌های ارزش اجتماعی را آشکار می‌کند.

-
- 1- Romijn and Caniels
 - 2- Kaplan and Grossman
 - 3- Jo
 - 4- Berrone
 - 5- Pagell and Gobeli
 - 6- Tobias
 - 7- Renouard

فعالیت تک‌بخشی

مطالعات فعالیت تک‌بخشی، عواملی را مورد کاوش قرار می‌دهند که فرض می‌شود درون یک صنعت واحد و یا در میان جمعیت سازمان‌هایی که اقدامات خیرخواهانه مشابهی را دنبال می‌کنند، موجب تأثیر اجتماعی می‌گردند. این رویکرد که در مقالات انگشت‌شماری استفاده شده است، اغلب به دلیل عدم توافق درباره چگونگی سنجش تأثیر اجتماعی، روی زمینه‌های ویژه‌ای تمرکز دارد و همین امر، مقایسه تأثیرات اجتماعی در تمام زمینه‌ها را بسیار دشوار می‌سازد (Salazar & et al, 2012). در نتیجه منحصربه‌فرد بودن فعالیت مورد مطالعه، این مقالات تأثیر اجتماعی را در ابعاد محدودی می‌سنجند؛ از جمله کل منافع عمومی ارائه‌شده توسط بیمارستان‌ها (Bai, 2013)، جهت جریان اطلاعات در سکوهای رایانشی برخط سلامت (Goh & et al, 2016)، برطرف کردن نیازهای اعتباری جوامع توسط بانک‌ها (Simpson & Kohers, 2002)، سرمایه‌گذاری روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی توسط شرکت‌های صنعتی تایوانی (Peng & Yang, 2014) و طبقه‌بندی رسالت دریافت‌کنندگان تسهیلات، تفکیک خدمات ارائه‌شده، محاسبه تعداد آنها و اندازه متوسط وام مؤسسات مالی خرد (Casselmann & et al, 2015).

پیامد تک‌بخشی

رویکرد پیامد تک‌بخشی نسبت به تأثیرات اجتماعی با فرض اینکه پیامدها در هر بخش منحصربه‌فرد هستند و در نتیجه مقایسه آنها در بخش‌های متفاوت، دشوار یا غیر ممکن است، بر لحاظ کردن یک یا چند نوع از انواع پیامدهای اجتماعی در یک زمینه خاص تمرکز دارد. برای مثال بریکسون^۱ (۲۰۰۷) استدلال می‌کند که ارزش اجتماعی بر اساس روابط یک شرکت با ذی‌نفعان داخلی و خارجی، از روش‌های مختلفی ایجاد می‌شود. او تبیین می‌کند که این ارزش می‌تواند برای تأمین نیازهای انسانی مصرف‌کنندگان و کارکنان (تعلق، عشق و عزت نفس فردی) و پرورش فضیلت‌های انسانی (شجاعت، دلسوزی و عدالت) خلق شود. هرچند این مقاله نسبت به تعمیم‌پذیری فرض شده تأثیرات اجتماعی تاحدودی شکاک است، از آنجا که نظریه او، ارزش اجتماعی را وابسته به ذی‌نفع می‌داند، ما رویکرد آن را به عنوان رویکرد تک‌بخشی طبقه‌بندی می‌کنیم؛ زیرا انواع ذی‌نفعان مورد مطالعه (و ارزش اجتماعی خلق شده برای آنها) در یک زمینه خاص تقریباً یکسان هستند.

سه مقاله پیامد تک‌بخشی تنها متکی به روش مطالعه موردی بودند. دو مورد از آنها، زمینه‌های جالبی را مورد کاوش قرار دادند، اما بینش مختصری درباره سنجش و اندازه‌گیری ارائه می‌دهند. دی‌دومنیکو، هاف و

تریسی^۱ (۲۰۱۰)، هشت شرکت اجتماعی را مطالعه کرده‌اند که روی انواع مختلفی از ارزش‌های اجتماعی متمرکز شده‌اند و نایدینگ و تریسی^۲ (۲۰۰۹)، بیست مؤسسه مالی توسعه‌ای را بررسی کرده‌اند؛ هرچند در واقع هیچ‌کدام از آنها پیامدهای اجتماعی این سازمان‌ها را نسنجیده‌اند. در مقابل، اوتینگ (۲۰۰۹) برای سنجش تأثیر در چندین سطح، از جزئیات یک بخش واحد، حداکثر استفاده را کرده است. او با تکیه بر داده‌های اولیه گردآوری شده از طریق مصاحبه، پیمایش و مشاهده، تأثیر تجارت منصفانه در صنعت قهوه نیکاراگوئه را فراتر از پیامدهای سطح خرد (یعنی تغییرات زندگی و وضعیت اجتماعی - اقتصادی قهوه‌کاران) سنجیده و پیامدهای سطح متوسط (یعنی تأثیر بر تولیدکنندگان قهوه) و سطح کلان (یعنی تأثیر بر محیط طبیعی، سیاست‌ها و مؤسسات) را نیز در کار خود گنجانده است.

دو مقاله، تأثیر اجتماعی را به عنوان یک افزایش کلی در رفاه اجتماعی مدل‌سازی کرده‌اند. یکی از مزایای مدل‌سازی این است که مستلزم بیان روشن مفروضات و تعاریف است تا بتواند به یک راه‌حل دست یابد که این امر می‌تواند فراهم‌آورنده بینش مهمی باشد. به طور خاص، دابسون و گریستر^۳ (۲۰۱۰) نشان داده‌اند که درست همان‌طور که ارزش اجتماعی می‌تواند ایجاد شود، می‌تواند از بین نیز برود. برای در نظر گرفتن تعاملات محلی و گسترده بین اقدامات سازمانی، مورالی، لیم و پتروزی^۴ (۲۰۱۵)، مدلی برای تأثیرات اجتماعی و محیط‌زیستی جهانی تجارت آب بین دو منطقه شهری ارائه کرده‌اند. آنها شرایطی را شناسایی کرده‌اند که هم مقدار آب موجود در هر دو منطقه شهری (تأثیر اجتماعی) و هم مقدار کل سطح آبخوان (تأثیر محیط‌زیستی مربوط به فرونشست زمین، از بین رفتن زیستگاه گیاهان و جانوران و فرسایش) را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

چندین مطالعه پیامد تک‌بخشی تنها از داده‌های کمی استفاده کرده‌اند که به طور مشخصی غنی یا دقیق بوده، فقط در زمینه‌های خاصی در دسترس هستند. برای مثال پیتساکیس، سوییتاریس و نیکولائو^۵ (۲۰۱۵)، نوع منحصر به فردی از تأثیرات اجتماعی را به عنوان خروجی جانبی دانشگاه‌ها سنجیده‌اند. باتیلانا^۶ و همکارانش با استفاده از مطالعه کمی و کیفی شرکت‌های

1- Di Domenico, Haugh, and Tracey
2- Kneiding and Tracey
3- Bobson and Gerstner
4- Murali, Lim and Petruzzi
5- Pitsakis, Souitaris and Nicolaou
6- Battilana

اجتماعی ادغام کاری^(۱) اجتماع محور مشابه در فرانسه، با سنجش عملکرد اجتماعی به عنوان «درصد منتفعانی که در یک سال معین با پیدا کردن یک کار عادی دارای قرارداد حداقل شش ماهه، دوره خود را در شرکت مربوطه به پایان رسانده‌اند»، به سطح بالاتری از تشخیص^۱ دست یافتند (Battilana & etal, 2015: 1664). به همین ترتیب رندی، استروم و مرسلند^۲ (۲۰۱۵)، عملکرد اجتماعی را به عنوان تکمیل یک رسالت اجتماعی تعریف کرده‌اند که در زمینه مؤسسات مالی خرد^۳ شامل ارائه خدمات مالی به قشر فقیر می‌شود. در نهایت سالازار و همکاران (۲۰۱۲) با بررسی یک برنامه مالی خرد خانه‌سازی خودانجام^۴ در مکزیک، نمونه‌ای از طراحی و اجرای سنجش در سطح پروژه را نشان داده‌اند.

بحث

مرور حاضر به منظور شناخت شیوه مفهوم‌سازی و سنجش تأثیرات اجتماعی در ادبیات گسترده کسب و کار انجام شده است. هر چند معتقدیم که برای به دست آوردن بینش درباره چگونگی نظریه‌پردازی و عملیاتی‌سازی تأثیرات اجتماعی، تحقیقات به طور عام در مدیریت و به طور خاص در کارآفرینی اهمیت بالایی داشته باشد، همچنین اذعان داریم که این زمینه مانند تمام زمینه‌های دیگر، با دیدگاه‌ها و سؤالاتی که به طور متداول محققان به کار می‌برند، محدود شده است. ما با بررسی مجله‌های برتر در هر یک از رشته‌های کسب و کار، دیدگاه بسیار گسترده‌تری نسبت به سایر این روندها کسب می‌کنیم. بر اساس تحلیل عمیق این ادبیات جامع، معتقدیم موضوعاتی که در ادامه مطرح می‌شود، می‌تواند به اندیشمندان کارآفرینی اجتماعی کمک کند تا درباره تأثیرات اجتماعی به شکل انتقادی‌تری فکر کنند و در صورت استفاده در تحقیقات، ممکن است به بهبود درک جمعی از این گویه مهم کمک کند. پیشنهادهای ما درباره نحوه ورود اندیشمندان در موضوعات مهم هر زمینه در جدول ۳ خلاصه شده است.

تناسب رویکرد

ما چهار روش مختلف را برای مفهوم‌سازی و سنجش تأثیرات اجتماعی شناسایی کردیم. همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، اکثریت قریب به اتفاق مقالات نمونه (۵۴ مورد از ۷۱ مقاله)، رویکردی چندبخشی اتخاذ کرده

- 1- Specificity
- 2- Randy, Storm and Mersland
- 3- Microfinance institutions
- 4- Do It Yourself

بودند که نشان می‌دهد محققان تمایل دارند تا تأثیرات اجتماعی را به عنوان گویه تعمیم‌پذیری قلمداد کنند که می‌تواند در زمینه‌های مختلف سنجیده یا متناسب شود (Espeland & Stevens, 1998) و نه به عنوان گویه نظری میان‌رده‌ای که تنها می‌تواند بین سازمان‌هایی که در زمینه‌های بسیار مشابه فعالیت می‌کنند، مورد مقایسه قرار گیرد. هرچند دیدگاه دوم نیز قابل درک است، باید توجه کنیم که ۴۳ درصد از مقالات چندبخشی مورد بررسی ما بر داده‌های رتبه‌سنجی (مانند KLD/MSCI, EIRIS, ASSET4 و غیره) متکی بوده‌اند که سازمان‌های خصوصی آنها را تهیه کرده‌اند تا سرمایه‌گذاران را قادر به شناسایی شرکت‌هایی سازند که طرح‌های از نظر اجتماعی مسئولانه (یا غیر مسئولانه) را دنبال می‌کنند (یا از آنها اجتناب می‌ورزند). به عبارت دیگر، این داده‌ها دقیقاً به منظور ضبط نوع بین‌بخشی مقایسه‌ها تهیه شده که مورد علاقه محققان چندبخشی نیز هست.

هرچند این پیشرفت به طور بالقوه امیدوارکننده است، همان‌طور که برامر و پاولین^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه خود اذعان داشته‌اند، ما نیز معتقدیم که ممکن است در دسترس بودن داده‌ها تعیین کند که چه چیز مورد مطالعه قرار گیرد و در واقع به همین ترتیب ممکن است یافته‌های منتج از داده‌های مبتنی بر رتبه‌سنجی، فاقد قابلیت تعمیم‌پذیری باشد. برای مثال تقریباً ۱۹ درصد از مطالعات چندبخشی در نمونه ما از داده‌های KLD استفاده کرده‌اند و این بدان معناست که بخشی قابل توجهی از آنچه درباره تأثیر اجتماعی می‌دانیم (یا فکر می‌کنیم که می‌دانیم)، از تحلیل شرکت‌های بسیار خاص بزرگ سهامی عام مستقر در آمریکا حاصل شده است. در واقع همان‌طور که در بالا ذکر شد، اکثر مقالات موجود در نمونه ما، تأثیر اجتماعی را در یک کشور صنعتی مفهوم‌سازی و یا سنجش کرده‌اند (فقط رویکرد پیامد تک‌بخشی با داشتن سه مقاله از هر دو دسته صنعتی و غیر صنعتی، متوازن است).

جدول ۳- چک لیست سنجش تأثیر اجتماعی

| استفاده بهینه از سنجش‌های تأثیر اجتماعی | استفاده غیر بهینه از سنجش‌های تأثیر اجتماعی |
|--|---|
| تناسب رویکرد | |
| محقق گویه را به طور واضح تعریف کرده و ارزیابی تناسب بین گویه و عملیاتی‌سازی را میسر می‌سازد. | محقق گویه را تعریف نکرده یا تنها به وسیله مثال این کار را انجام می‌دهد. |
| سنجش‌های به کار رفته، به طور مفیدی گویه مورد نظر را عملیاتی‌سازی می‌کنند. | سنجش‌های به کار رفته به کار رفته به راحتی در دسترس و آماده هستند. |
| سنجش بهبود یافته | |
| محقق در یک معیار خاص، یا بر فعالیت‌ها یا بر پیامدها تمرکز می‌کند که منطبق بر گویه نظری است. | محقق هم فعالیت‌ها و هم پیامدها را در یک معیار واحد ترکیب می‌کند. |
| محقق تنها آن دسته از سنجش‌های تأثیر اجتماعی را تجمیع می‌کند که به لحاظ نظری، نماینده‌های متناسب گویه زمینه‌ای هستند. | محقق، سنجش‌های تأثیر اجتماعی با قابلیت کاربست متفاوت را در یک گویه واحد تجمیع می‌کند و این گونه، نویز (۲) سنجش را افزایش می‌دهد. |
| (در صورت استفاده از مجموعه داده‌ای که به طور گسترده در دسترس قرار دارد) محقق توجیه محکمی برای ساخت سنجش دارد و یا در صورت امکان سنجش‌ها را مشابه مقالات پیشین می‌سازد. | (در صورت استفاده از مجموعه داده‌ای که به طور گسترده در دسترس قرار دارد) محقق سنجش‌ها را به صورت اد هاک یا موردی می‌سازد، تصمیم‌های روش‌شناختی خود را به خوبی توجیه نمی‌کند یا هیچ منطقی برای اتخاذ رویکردی متفاوت نسبت به مقالات پیشین ارائه نمی‌دهد. |
| محقق سنجش را برای کمی‌سازی تأثیر اجتماعی (مثبت) یک فعالیت سازمانی طراحی می‌کند. | محقق صرفاً فعالیت‌های خاصی را با عنوان «به لحاظ اجتماعی نافع»، گاهی بدون شواهد روشن برای چنین نفع یا تأثیری، مقوله‌بندی می‌کند. |
| (در صورت وجود سنجش مبتنی بر فعالیت یا رویکرد مقوله‌بندی) محقق نوع پیامدهای پیش‌بینی شده و ارتباط علی مطرح شده بین فعالیت‌ها (مقوله‌ها) و پیامدها را مشخص می‌کند. | (در صورت وجود سنجش مبتنی بر فعالیت یا رویکرد مقوله‌بندی) محقق فعالیت‌ها را می‌سنجد یا مقوله‌ها را بدون بحث درباره پیامدهای واقعی یا روابط علی تعیین می‌کند. |
| وضوح تعریف | |
| محقق، مقیاس زمانی مناسب سنجش یا مشاهده را که شامل تأخیر پیش‌بینی شده بین فعالیت و پیامدها نیز می‌شود، به صراحت لحاظ می‌کند. | محقق، مقیاس زمانی مناسب سنجش یا مشاهده را که شامل تأخیر پیش‌بینی شده بین فعالیت و پیامدها نیز می‌شود، به صراحت لحاظ نمی‌کند. |
| محقق به صراحت سطوح مناسب مشاهده و سنجش را لحاظ می‌کند. | محقق، اثرات اجتماعی ثانویه فعالیت‌های سازمانی را نادیده می‌گیرد. |

در اثر این تمایل، تعمیم‌پذیری تحقیقات تأثیر اجتماعی به میلیون‌ها شرکت کوچک، به‌ویژه شرکت‌هایی که در کشورهای در حال توسعه در سراسر جهان مشغول فعالیت هستند (که اندیشمندان کارآفرینی توجه ویژه‌ای به آنها دارند)، مشخص نیست. با توجه به عدم دسترسی عمومی به داده‌های مربوط

به این شرکت‌ها، ما اندیشمندان را تشویق می‌کنیم تا با سازمان‌هایی (از قبیل انجمن‌های صنفی، آژانس‌های دولتی، مراکز رشد کسب و کارها^۱ و غیره) که به خدمت‌رسانی به اجتماع مشاغل کوچک داخلی و خارجی می‌پردازند، همکاری کنند تا داده‌های مورد نیاز کمتر مطرح شده درباره این جمعیت را گردآوری کنند (Dutt & et al, 2016).

به عنوان یک دغدغه مرتبط، ما دریافتیم زمانی که داده‌ها، تأثیرات اجتماعی را به درستی نمی‌سنجند، هر نتیجه‌ای که از آنها حاصل شود، ممکن است اعتبار چندانی نداشته باشد. محققان به این موضوع که هیچ پایگاه داده‌ای وجود ندارد که به طور مستقیم بر [فرآیند] تهیه تأثیرات اجتماعی در بخش‌ها و مکان‌های مختلف نظارت داشته باشد (Soleimani & et al, 2014) اشاره کرده‌اند. متأسفانه تهیه‌کنندگان خصوصی داده‌ها اغلب متغیرهایی را جمع می‌کنند که در صنایع مختلف کاربرد دارد؛ زیرا این نوع داده‌ها به راحتی در دسترس (اغلب موجود در افشاهای عمومی) است و تعداد افراد علاقه‌مند (و مایل به پرداخت هزینه دسترسی) برای این داده‌ها بیشتر است. ما نگران هستیم همان طور که رتبه‌بندی‌ها، ادراکات مربوط به کیفیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Bermis & et al, 2013; Espeland & Sauder, 2007)، محققان در اثر تن دادن به این روند که داده‌ها تعیین کنند چه تصمیم‌هایی در رابطه با نمونه‌گیری اتخاذ شود، شیوه‌ای را که ما به عنوان یک جامعه علمی درباره تأثیرات اجتماعی می‌اندیشیم، به سمت شیوه‌های ناخواسته و به طور بالقوه معیوبی منحرف گردانند.

با بیان این دغدغه، ما قصد نداریم القا کنیم که یک رویکرد چندبخشی برای تهیه بینش‌های مفید با شکست روبه‌رو خواهد شد، اما معتقدیم که برای بهبود اعتبار بیرونی^۲ یافته‌های حاصل از تحقیق با استفاده از این رویکرد نیاز است تا تغییراتی در آن صورت پذیرد. به طور خاص معتقدیم که داده‌ها باید از مجموعه متنوعی از سازمان‌ها گردآوری شود که به طور خاص برای مهم‌ترین سؤالات تحقیق درباره تأثیر اجتماعی انتخاب شده باشند. پیشرفت در این جبهه می‌تواند با مشارکت در تهیه جمعی داده‌های پانلی^۳ (نکته‌ای که در ادامه درباره آن بحث می‌کنیم) و در سطح فردی با مشارکت در گردآوری داده‌های اولیه حاصل شود. هرچند منابع لازم برای چنین کارهایی، هزینه‌های قابل توجهی به همراه دارد، از مزایای آن این است که محققان می‌توانند سؤالات

1- Business Incubators

2- External Validity

3- Panel Data

تحقیق، مفهوم‌سازی‌ها و سنجه‌های تأثیر اجتماعی را به گونه‌ای متناسب سازند که اجتماع بزرگ‌تری از جامعه دانشگاهیان و متخصصان آن را به پیش ببرند، نه آژانس‌های رتبه‌سنجی.

همچنین به دلایلی معتقدیم که فرصت برای تحقیقات تک‌بخشی بیشتر فراهم است. تحقیق با رویکرد تک‌بخشی برای نظریه‌های میان‌رده در حال توسعه‌ای مناسب است که می‌توانند به طور دقیق‌تری مورد سنجش قرار گیرند و همچنین به آسانی قابلیت انطباق با منافع ذی‌نفعان خاص یک سازمان را دارند (Weick, 1989). سالازار و همکاران (۲۰۱۲) برای ارزیابی تأثیر اجتماعی ناشی از برنامه مالی خرد ساخت‌وساز خودانجام در مکزیک، از ابعاد مختلفی استفاده کرده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت که این ابعاد، سنجه‌های غیر مستقیم رفاه انسانی (مثل بهداشت و روابط اجتماعی) هستند و همان طور که کروگر و وبر (۲۰۱۴) پیشنهاد کرده‌اند، به طور بالقوه می‌تواند با پیامدها در بخش‌های دیگر مقایسه شود. با این حال سالازار و همکاران (۲۰۱۲) برای کمی‌سازی تأثیرات اجتماعی در سطح خرد، عمداً سنجه‌های خود را با فعالیت مرتبط با ساخت‌وساز (مثلاً صرفه‌جویی در زمان و هزینه) هم‌زمینه ساختند، که از این‌رو چنین مقایسه‌هایی غیر ممکن می‌شود. با توجه به بده‌بستان واقعی بین مقایسه‌پذیری و تشخیص داده‌ها، راه برای تحقیق چندبخشی و تک‌بخشی باز است.

رویکرد تک‌بخشی همچنین امکان بررسی دقیق‌تر فرضیه‌های زمینه‌ای فرآیندهایی را که به تأثیر اجتماعی منتج می‌شوند، فراهم می‌آورد. این امر در مطالعات مدل‌سازی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این فرضیه‌ها هستند که نتایج را هدایت می‌کنند. برای مثال، فرضیه‌های دابسون و گروستنر (۲۰۱۰) مربوط به عواملی که بر خلق یا تخریب ارزش‌های اجتماعی در صنعت فست‌فود تأثیر می‌گذارند، با عواملی که ممکن است تأثیرات اجتماعی را در صنایع دیگر تحت تأثیر قرار دهند، متمایز است. بنابراین رویکرد تک‌بخشی می‌تواند به محققان اجازه دهد تا الگوی پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های خاصی^۲ را دریابند که واقعیت پیش‌روی سازمان‌ها در یک زمینه خاص را بدون انحراف ناشی از ورود شرکت‌ها از سایر بخش‌ها به مدل توصیف می‌کنند.

با توجه به این فرض که طرح‌های خیرخواهانه عواقب مفیدی را در پی خواهند داشت، مانگران مقالاتی هستیم که هر دو رویکرد فعالیت و پیامد را دنبال می‌کنند و نتوانسته‌اند این رابطه را در مفهوم‌سازی و سنجش تأثیر

1- Trade-off

2- idiosyncrasies

اجتماعی بازنشاسایی کنند. به طور خاص، دغدغه ما این است که محققان از پرداختن به فرضیه‌های ضمنی که فعالیت‌ها و پیامدها را به یکدیگر پیوند می‌دهند، خودداری کنند. بنابراین توصیه می‌کنیم محققانی که رویکرد فعالیت را اتخاذ می‌کنند، انواع پیامدهایی که با فعالیت‌های مورد نظر مرتبط هستند، ماهیت پیوند علی ضمنی و توجیه خود برای عدم سنجش مستقیم‌تر آن پیامدها را مشخص کنند. برای مثال گوه^۱ و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی الگوی ارتباطات بین مشارکت‌کنندگان روستایی و شهری، خلق ارزش اجتماعی در جوامع بهداشتی برخط را مطالعه کرده‌اند. به عنوان سنجش ارزش اجتماعی، نویسندگان، کاربران شهری را به عنوان ارائه‌دهنده اطلاعات خالص (فعالیت) شناسایی نموده و استدلال کرده‌اند که جریان بیشتر اطلاعات به مناطق روستایی دارای پتانسیل بهبود پیامدهای بهداشتی روستایی است. این پیامدها به طور مستقیم سنجیده نشده‌اند، اما برای تحقیقات آتی باقی مانده‌اند. همچنین توصیه می‌کنیم محققانی که رویکرد پیامد را اتخاذ می‌کنند، فعالیت‌های پیشنهادی برای ایجاد پیامدها را مشخص کنند و به صراحت عوامل دیگری را که می‌تواند مسبب این پیامدها شود در نظر بگیرند تا مکانیسم‌های علی شفاف شوند.

سنجش بهبود یافته

همان‌طور که در این مرور نشان داده شده است، تأثیر اجتماعی به لحاظ نظری، یک گویه غنی محسوب می‌شود. تأثیر نه تنها می‌تواند عواقب مثبت و منفی داشته باشد (همان‌طور که در بالا ذکر شد)، بلکه تقریباً راه‌های بی‌شماری برای به وجود آمدن این عواقب و احساس شدن تأثیرات توسط هر تعداد فرد، گروه، یا موجودیت دیگری وجود دارد. بنابراین تأثیر اجتماعی به یک متغیر دودویی^۲ تک‌بعدی (یعنی شرکت، محصول یا فعالیت، یا تأثیر مثبتی بر جامعه دارد یا ندارد) در حقیقت اطلاعی از آنچه واقعی یا عمل‌پذیر است به دست نمی‌دهد. ما برای رسیدن به بینش‌های پرمعنا تر در تحقیق، دانشمندان را ترغیب می‌کنیم که غنا و پیچیدگی گویه را از طریق لحاظ کردن بعددار بودن^۳ آن به روش‌های زیر به حساب آورند.

بسیاری از مقالات در نمونه ما، به‌ویژه در مطالعات تک‌بخشی، تأثیرات اجتماعی را به عنوان جمع‌بندی انواع مختلفی از تأثیرات (یعنی اجتماعی، محیطی، سیاسی و غیره) سنجیده‌اند، در حالی که بقیه بر یک مسئله اجتماعی خاص

1- Goh

2- binary

3- Dimensionality

متمركز شده‌اند. یکی از مزایای چنین رویکردی این است که محققان را قادر می‌سازد تا برای سنجش بهتر نوع خاصی از تأثیر، از ابعاد مختلف استفاده کنند. برای مثال رندی^۱ و همکارانش (۲۰۱۵)، تأثیر اجتماعی فقر محور مؤسسات مالی خرد را با چهار سنججه مورد سنجش قرار دادند. به همین ترتیب کسلمان^۲ و همکاران (۲۰۱۵)، این سنجش را حتی به طور گسترده‌تر در زمینه مؤسسات مالی خردی که در بازارهای قاعده هرم^۳ فعالیت می‌کنند، انجام داده‌اند. آنها از مفهوم‌سازی عملکرد اجتماعی وود (۱۹۹۱) با عنوان اصول، فرآیندها و پیامدها استفاده کرده‌اند و از طریق کدگذاری بیانیه‌های رسالت مؤسسات در قالب «تجاری»^۴، «سودمحور»/از نظر اجتماعی مسئولانه^۵، «اجتماع محور»/از نظر مالی مسئولانه^۶، یا «مبتکران اجتماعی»^۷ (قصده^۸)، خدمات ارائه شده توسط مؤسسات به صورت پس‌انداز خرد و یا خدمات بیمه خرد (فرآیند) و تعداد وام‌گیرندگان فعال و میانگین مقدار وام (پیامد) تأثیر اجتماعی را سنجیده‌اند. ما از سنجش‌های چندبعدی این چنینی دفاع می‌کنیم.

صرف نظر از ابعاد مورد استفاده، محققان همچنین باید استفاده مورد نظر خود از گویه را در مدل سنجش خود عامل‌بندی کنند. ما دو کاربرد را شناسایی کردیم: مقوله‌بندی منابع تأثیر و کمی‌سازی تأثیر. سنجش با هدف مقوله‌بندی به دنبال ارزیابی سازمان‌ها و محصولات در مقایسه با سازمان‌ها و محصولات دیگر است. تأثیرات اجتماعی نسبی سازمان‌ها و محصولات با استفاده از استانداردهایی ارزیابی می‌شود که تعیین می‌کند چه چیزی «خوب» یا «بد» پنداشته می‌شود. برای اهداف مقوله‌بندی می‌توان انواع تأثیرات اجتماعی مختلف را به یکدیگر اضافه کرد تا یک معیار ترکیبی^۹ را شکل داد که «خوب بودن» یا «بد بودن» سازمان یا محصول را تعریف کند. تجمیع با هدف مقوله‌بندی، مشابه شهرت، اغلب از صافی ادراکات بیرونی می‌گذرد (Bermiss & et al, 2013). با تکیه بر چنین سنججهایی، محققان می‌توانند سازمان‌ها یا محصولات را با عناوینی مانند «مسئولانه»، «منصفانه»، «اجتماعی»، «سبز» و غیره طبقه‌بندی کنند.

-
- 1- Randoy
 - 2- Casselman
 - 3- Base of pyramid markets
 - 4- Commercial
 - 5- Profit Oriented/Socially Responsible
 - 6- Socially Oriented/Financially Responsible
 - 7- Social Innovators
 - 8- Intent
 - 9- Composite Metric

فرضیه بنیادین مقوله‌بندی‌ها این است که سازمان‌ها و محصولات «خوب»، تأثیرات اجتماعی بهتری نسبت به سازمان‌ها و محصولات «بد» خواهند داشت. رویکرد مقوله‌بندی موجب تقویت بسیاری از مقالات موجود در نمونه ما شده است که از رتبه‌بندی‌های عملکرد اجتماعی شرکت در سطح سازمانی، سنجه‌های سطح محصول مانند گواهینامه تجارت منصفانه (Castaldo & et al, 2008) و میزان رعایت استانداردهای مسئولیت‌پذیری توسط محصولات (Moore, 2004) استفاده می‌کنند. این مقالات از این جهت که امکان مقایسه سازمان‌ها در مکان‌ها، صنایع و اندازه‌های مختلف را میسر می‌کنند نیز مفید هستند. هرچند این سنجه‌ها با تحقیقات کارآفرینی اجتماعی که به دنبال شناسایی خصوصیات متمایزکننده کارآفرینان اجتماعی از سایر کارآفرینان معمولی هستند کاملاً هم‌راستا محسوب می‌شوند (Moss & et al, 2011)، استفاده از آنها به قیمت سنجه‌های مستقیم‌تر تأثیر اجتماعی تمام می‌شود (Lowell & et al, 2005).

سنجه‌های تأثیر اجتماعی با اهداف کمی، سعی دارد تا مقدار^۱ تأثیر اجتماعی را که در یک زمینه خاص ایجاد می‌شود بسنجد. سنجش با اهداف کمی‌سازی، بر مبنای مفهوم جمع‌پذیری بنا می‌شود که در چندین زمینه مختلف، از تحقیق و توسعه (Aerts & Schmidt, 2008) گرفته تا عملکرد زندان (Cabral & et al, 2009) به کار گرفته شده است. محققانی که به دنبال کمی‌سازی مقدار تأثیر اجتماعی از یک اقدام خاص هستند، نیاز به دقت بیشتری دارند تا فقط پیامدهای اضافه‌شده [در اثر فعالیت] یا پیامدهایی را که بدون فعالیت مورد نظر اتفاق نمی‌افتادند، بسنجند. این امر مستلزم آن است که سنجش از نظر تغییرات (مثلاً بهبود شرایط مورد نظر) پس از یک فعالیت به طور روشن مشخص شود و به همین ترتیب بدیل خلاف‌واقع بدون اقدام نیز به طور واضح مشخص شود تا از این طریق پیامدهای اجتماعی قابلیت مقایسه پیدا کنند.

سالازار و همکاران (۲۰۱۲) با اندازه‌گیری زمان و هزینه پروژه‌های ساخت‌وساز خودانجام و همچنین رفاه خانواده‌های شرکت‌کننده (بر اساس پس‌انداز خانواده، متراژ مسکن، بهداشت، پیوندهای اجتماعی و توسعه تاریخچه اعتبار) قبل و بعد از پروژه، نمونه‌ای گویا برای سنجش کمی تأثیرات اجتماعی ناشی از یک پروژه خاص ارائه داده‌اند. از طریق مقایسه این سنجه‌ها با سنجه‌های گروه کنترل با استفاده از تحلیل نمره تمایل^۲، نویسندگان قادر به کمی‌سازی حقیقی تأثیر اجتماعی‌ای می‌شوند که خانواده‌های شرکت‌کننده

1- Magnitude

2- Propensity Score Analysis

در پروژه در مقایسه با گزینه بدیل عدم اقدام، از آن منتفع شده‌اند. برخلاف سنجه‌هایی که امکان مقایسه سازمان‌هایی با مقیاس‌های بسیار متفاوت را فراهم می‌آورد، سنجه‌های متمرکز بر کمی‌سازی وابسته به مقیاس هستند، به گونه‌ای که ممکن است پروژه‌ای نسبت به یک پروژه دیگر، هزاران واحد بیشتر تأثیر داشته باشد.

پیشرفته‌ترین سنجش‌های کمی انواع خاصی از تأثیرات اجتماعی (مثل ریشه‌کن کردن فقر، افزایش دسترسی به خدمات بهداشتی - درمانی و غیره) را اقتصاددانان کاربردی با استفاده از آزمایش‌های کنترل‌شده تصادفی^۱ (Dufflo & et al, 2007) انجام داده‌اند. متأسفانه هرچند ما با این مطالعات آشنا هستیم، نتوانستیم اصطلاحات کافی برای جست‌وجو پیدا کنیم تا بتوانیم به طور اثربخشی این مطالعات را انتخاب کنیم؛ زیرا آنها از مفاهیم فراترمانند تأثیر اجتماعی استفاده نمی‌کنند، بلکه بیشتر روی تأثیراتی مانند پیشرفت تحصیلی (Dufflo & et al, 2011) یا تغییر در سودآوری دریافت‌کنندگان سرمایه‌های خرد به خاطر یک فعالیت برنامه‌ریزی‌شده (Field & et al, 2010) متمرکز می‌شوند. علاوه بر این مقالات موجود در نمونه ما به ندرت از این رویکرد استفاده کرده‌اند. روش آزمایش کنترل‌شده تصادفی در شناسایی خلأ واقع‌ها و سنجش تغییرات از صراحت بسیار بالایی برخوردار است که به دلیل گردآوری داده در قبل و بعد از فعالیت برای هر دو گروه تحت آزمایش و کنترل، به طور قابل توجهی هزینه‌زا است. ما معتقدیم که این مسیری مثمر ثمر برای آن دسته از تحقیقات آتی است که به جای مقوله‌بندی سازمان‌ها، به دنبال کمی‌سازی تأثیرات اجتماعی هستند. همچنین از خوانندگان می‌خواهیم که به نمونه‌های سایر محققانی مراجعه کنند که از طریق روش‌هایی مانند تطبیق نمره تمایل با وجود کاهش هزینه‌های اجراء، به رویکرد نظری بنیادین وفادار بوده‌اند (Salazar & et al, 2012).

از آنجا که تصمیم‌های مربوط به سنجش یادشده، بر امکان‌پذیری و میزان ترکیب ابعاد مختلف به منظور تولید یک سنجه جامع تأثیر اجتماعی تأثیر می‌گذارد، به محققان توصیه می‌کنیم که به سه دلیل با دقت بیشتری درباره تجمیع^۲ فکر کنند. نخست اینکه تمام ابعاد، تأثیرگذار و دارای اعتبار نیستند. بنابراین تجمیع ابعاد مرتبط و مستدل با ابعاد نه‌چندان مستحکم و نامعتبر، نتایج ما را مخدوش می‌کند. به عنوان نمونه، استنویک و استنویک^۳ (۱۹۹۸) از یک شاخص تجمیعی متشکل از هشت ویژگی استفاده کرده‌اند که

1- Randomized Control Trials

2- Aggregation

3- Stanwick and Stanwick

تنها یکی از آنها با پیامد سودمند اجتماعی به طور مستقیم ارتباط دارد. با به کارگیری این سنجه تجمیعی، ارزش بعد اجتماعی در بین نوپز سایر ابعاد غیر اجتماعی گم می‌شود. به محققان توصیه می‌کنیم که هنگام انتخاب ابعاد مورد استفاده برای سنجش تأثیر اجتماعی، به‌ویژه هنگام به کارگیری سنجه‌های ثانویه که در آنها ابعاد مختلف از قبل تجمیع شده‌اند، بسیار دقت داشته باشند.

دوم اینکه اگر توافق داریم که تأثیر اجتماعی متشکل از ابعاد مختلفی است و اگر بتوانیم به توافق برسیم که این ابعاد کدامند، محققان باید تعیین کنند که آیا سنجش باید به صورت تکوینی^۱ مدل‌سازی شود یا به صورت بازتابی^۲. محققان می‌توانند از جریان‌های دیگر پژوهش مانند تحقیق دربارهٔ گوئی^۳ بسیار غنی و چندبعدی جهت‌گیری کارآفرینی^۴ (EO) نیز [این کار را] یاد بگیرند. کووین و ولز استدلال می‌کنند که «محققان مختارند که هر روش سنجشی را که به بهترین وجه در خدمت اهداف تحقیق آنهاست انتخاب کنند و مدل‌های سنجش «تجمیعی» جهت‌گیری کارآفرینی در برابر مدل‌های سنجش «غیر تجمیعی» آن برای مفهوم‌سازی‌های اساساً متفاوتی از این گوئی متناسب هستند» (Covin & Wales, 2012: 677). توصیه برای محققان تأثیر اجتماعی این است که تجمیع، موضوعی انتخابی است؛ اما این انتخاب باید با نحوهٔ تعریف گوئی و پس از آن، چگونگی راه یافتن آن به درون مدل نظری، سازگار باشد. این تصمیم می‌تواند همچنین برای [تعیین] اینکه یک مطالعه کجا و چگونه به ادبیات موجود مرتبط می‌شود کاربرد داشته باشد؛ زیرا هر مقالهٔ جدید فقط با مقالاتی به طور مستقیم در ارتباط است که تأثیر اجتماعی را به روش‌های نظری و تجربی مشابهی مفهوم‌سازی کرده‌اند. سوم اینکه ترکیب کردن پیامدها و سنجه‌های فعالیت در همان سنجه ترکیبی تأثیر اجتماعی، با توجه به اینکه آنها گوئی‌هایی مجزا و از نظر علی مرتبط هستند، به لحاظ نظری بی‌معنی است. با وجود این چندین پایگاه داده استفاده‌شده در مقالات تأثیر اجتماعی نمونه ما (به‌ویژه KLD) نیز دقیقاً همین کار را انجام داده بودند و با مخلوط کردن شاخص‌ها، اقدامات یک شرکت (فعالیت‌ها) و نتایج آن اقدامات (پیامدها) را می‌سنجند. از آنجا که این نوع سنجه‌ها، مواردی را ترکیب می‌کنند که [هر کدام] اساساً به مراحل متفاوتی از فرآیند به وجود آمدن تأثیر اجتماعی مرتبط می‌شوند، اعتبار متغیرهای

-
- 1- Formative
 - 2- Reflective
 - 3- Entrepreneurship Orientation

تجمیعی حاصل از آنها محدود خواهد بود (Kerlinger & Lee, 2000). با توجه به این نگرانی، ما از محققان می‌خواهیم تا در عملیاتی‌سازی تأثیر اجتماعی، بین فعالیت‌ها و پیامدها، تمایز بیشتری قائل شوند.

علی‌رغم اینکه مطالعات موجود در نمونه ما، گویه‌های بسیار مشابهی را می‌سنجند، جالب است که حتی در بین آنهایی که اصطلاحات یکسانی (یعنی عملکرد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی شرکت و غیره) را برای تأثیرات اجتماعی به کار برده‌اند، تعاریف یکسانی داشته‌اند و یا از پایگاه داده یکسان استفاده کرده‌اند، هیچ دو مطالعه‌ای پیدا نمی‌شود که به یک روش مشابه چنین کاری را انجام داده باشد. این امر به‌ویژه در بین مقالات فعالیت چندبخشی بیشتر مشهود است. برای مثال در بین ده مطالعه‌ای که از داده‌های KLD استفاده کرده‌اند، هیچ کدام از رویکرد تجمیعی دقیقاً یکسانی استفاده نکرده‌اند. هرچند نه مطالعه کمی باقیمانده که از داده‌های KLD استفاده نکرده‌اند، تأثیر اجتماعی را به عنوان عملکرد اجتماعی شرکت مفهوم‌سازی نموده‌اند، حتی آنهایی که از مجموعه داده یکسان استفاده کرده‌اند، همگی آن را به شیوه‌های متفاوتی سنجیده‌اند.

به عنوان مثال، هم برامر و پاولین^۱ (۲۰۰۶) و هم کوستا گونزالز^۲ و همکاران (۲۰۰۶) از داده‌های EIRIS استفاده کرده‌اند. با این حال در مطالعه اول، عملکرد اجتماعی شرکت به عنوان یک شاخص چندمقیاسی که نرمال‌سازی و جمع شده، عملیاتی‌سازی شده است؛ ولی در مطالعه دوم، برای رسیدن به یک رتبه‌بندی و ارزیابی کیفی، شرکت‌ها بر اساس شانزده معیار مختلف فیلتر شده‌اند. به طور مشابه، در بین دو مطالعه‌ای که از داده‌های ASSET4 استفاده کرده‌اند، یونانو و سرافیم^۳ (۲۰۱۲)، عملکرد اجتماعی را به عنوان میانگین هم‌وزن نمرات عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی عملیاتی‌سازی کرده‌اند، در حالی که شائوکت، کیوو و تروجانوفسکی^۴ (۲۰۱۶) از این دو نمره برای محاسبه سنجه‌هایی برای گویه‌های مجزای عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی استفاده کرده‌اند.

نبود سنجه‌های مشخص در ادبیات تأثیر اجتماعی، نگران‌کننده است؛ زیرا مانع از انباشته شدن دانش پدیده‌های مشابه می‌شود. وو و پاژل^۵ (۲۰۱۱) نیز خاطر نشان کرده‌اند که داشتن استاندارد در روش‌های سنجش می‌تواند به فائق آمدن بر عدم قطعیت و پارامترهای در حال تکوین تصمیم‌گیری که

- 1- Brammer and Pavelin
- 2- Cuesta-Gonzalez
- 3- Ioannou and Serafeim
- 4- Shaukat, Qiu, and Trojanowski
- 5- Wu and Pagell

تأثیرگذاری را دشوار می‌کند، کمک کند. به همین ترتیب توسعه استانداردهای مشترک سنجش نه تنها به محققان، بلکه به متخصصان و دست‌اندرکاران این حوزه نیز کمک می‌کند. با این حال به نظر می‌رسد که بین دامنه استفاده از استانداردها و اعتبار مقایسه، بده‌بستانی وجود دارد. بنابراین ممکن است تدوین استانداردهای سنجش تأثیر اجتماعی مستقیمی که به صورت جهان‌شمول قابل اجرا باشند، برای محققان و دست‌اندرکاران این حوزه مشکل باشد. پس به جای توافق کامل درباره سنجش‌ها، ممکن است تشکیل ائتلاف‌های کوچک‌تر که در آن استانداردهای سنجش بتوانند توسعه یابند، امکان‌پذیرتر باشد.

وضوح تعریف

مبرهن است که محققان قبل از پیشرفت در زمینه سنجش، باید دقت خود در تعریف اصطلاحات را ارتقا دهند. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، نسبت قابل توجهی از مقالات موجود در نمونه ما (۱۰ مورد از ۷۱ مقاله)، هیچ تعریفی از تأثیر اجتماعی ارائه ندهد. باخاراج استدلال می‌کند: «هدف از تعریف یک متغیر، فراهم کردن یک مرجع عملیاتی برای پدیده‌ای است که در سطح انتزاعی‌تر (مثل یک گویه) توصیف شده است» (Bacharach, 1989: 502). به عبارت دیگر برای آنکه یک متغیر معتبر قلمداد شود، باید به طور اثربخشی به قلمروی که گویه قرار است در آن سنجیده شود، ارتباط پیدا کند. برای شناسایی چنین متغیری، تعریف عملیاتی گویه باید به عنوان راهنما مورد استفاده قرار گیرد؛ زیرا این تعریف دستورالعملی صریح درباره نحوه سنجش گویه به دست می‌دهد (Kerlinger & Lee, 2000). از آنجا که دقت در تعریف گویه هم یافته‌های تحقیق و هم بینش عملی ناشی از تحقیق را بهبود می‌بخشد (Bruyat & Julien, 2001)، ما از همه محققان می‌خواهیم تا از سازگار بودن متغیرهایی که برای سنجش تأثیر اجتماعی انتخاب می‌کنند، با تعریف آنها از گویه مورد نظر اطمینان حاصل کنند.

در انتخاب تعریف، محققان اذعان دارند در حالی که بیشتر تعاریف تأثیر اجتماعی را به عنوان تغییر اجتماعی «مثبت» مفهوم‌سازی می‌کنند (برای مثال: Santos, 2012; Stephan & et al, 2016)، برخی تعاریف دیگر تأثیر اجتماعی را از منظر کاهش تأثیرات منفی تعریف می‌کنند (Bartling & et al, 2015). با توجه به پیچیدگی این گویه، ما از محققان خواستاریم تا به پیامدهای مثبت و منفی فعالیت‌های مختلف اجتماعی بپردازند و هر دو [نوع] پیامد را در مدل‌های سنجش خود لحاظ کنند. مقالاتی که در زمره عملکرد اجتماعی

قرار می‌گیرند می‌توانند به عنوان راهنما مورد استفاده قرار گیرند، زیرا معمولاً در سنجش تأثیر به عنوان تابعی مرکب از اثرات مثبت و منفی از صراحت بیشتری برخوردارند.

برای مثال کربلی و همکاران مدعی هستند که تأثیر اجتماعی از طرح‌هایی منتج می‌شود که هم «مفید عمل می‌کنند» (یعنی افزایش نمود خارجی مثبت) و هم «ضرر نمی‌رسانند» (یعنی کاهش نمود خارجی منفی) (Crilly & et al: 1318) که این دیدگاه مطابق با تعریف خود ما از تأثیرات اجتماعی نیز هست. KLD و پایگاه‌های داده مرتبط با آن به صورت خام هم که شده، تأثیرات مثبت و منفی شرکت‌ها بر جامعه را می‌سنجند که حداقل یک راهنمایی مفهومی اساسی مبنی بر نیاز به ضبط هر دو [نوع] تأثیر اجتماعی مثبت و منفی فراهم می‌کند. به طور مشابه، مقالاتی که از روش مدل‌سازی استفاده می‌کنند، اغلب بر تأثیرات منفی متمرکز می‌شوند (Dobson & Gerstner, 2010). به طور واضح، اصراری بر استفاده از رتبه‌بندی‌های تأثیر اجتماعی یا پایگاه داده سرمایه‌گذاری‌ها برای رسیدن به این متغیرها نیست؛ بلکه پیشنهاد کلی این است که راه‌های متفاوت تأثیرگذاری سازمان‌ها بر جامعه و چگونگی بهبود جامعه از طریق افزایش فواید و کاهش مضار در نظر گرفته شود.

به عنوان نکته پایانی، به محققان توصیه می‌کنیم که ماهیت وابسته به زمان تأثیر مورد مطالعه و همچنین سطح تحلیلی خود را در مفهوم‌سازی تأثیرات اجتماعی واضح سازند. اگر این مرزها بسیار محدود تعیین شوند، ممکن است محققان در رصد کردن تمام و کمال پیامدهای منتج از فعالیت‌ها ناکام بمانند. این حالت به‌ویژه زمانی تبدیل به یک مسئله می‌شود که پیامدهایی موجب خنثی شدن پیامدهای سنجیده شده شوند (مثلاً وقتی که پیامدهای سنجیده نشده، منفی و پیامدهای سنجیده شده، مثبت باشند). اگر این مرزها بسیار گسترده تعیین شوند، ممکن است محققان عوامل علی نادرستی را ضبط کنند. اندیشمندان کارآفرینی که در سطوح مختلف (فرد، شرکت، صنعت، منطقه و کشور) و در مقیاس‌های زمانی مختلف (از چند ثانیه گرفته تا چند نسل) به طور پیوسته و مرتب در حال تحقیق هستند، از آمادگی خوبی برخوردار هستند تا در تدقیق تعریف این مرزها نقشی پیدا کنند (Baron & Ensley, 2006; Davidsson & Wiklund, 2001; Rauch & et al, 2005).

فواصل زمانی‌ای که انواع مختلف پدیده‌های سازمانی [در آنها] آشکار می‌شوند، یکی از مؤلفه‌های مهم نظری و تجربی سنجش است (Zaheer & et al, 1999). ما محققان را ترغیب به مشخص کردن فواصل زمانی‌ای می‌کنیم که فعالیت‌ها در آنها منجر به پیامدها می‌شوند. این امر به‌ویژه زمانی اهمیت می‌یابد که

فاصله زمانی‌ای که پیامدها در آن آشکار می‌شوند، طولانی‌تر از فاصله زمانی‌ای باشد که محققان بتوانند پیامدها را مشاهده کنند. ناتوانایی در سنجش پیامدهایی که در خارج از یک دوره مشاهده اتفاق می‌افتند، دلیل موجهی برای اتخاذ رویکرد فعالیت است. برای مثال این واقعیت که تأثیرات محیط زیستی طراحی محصول یا انتخاب‌های مربوط به تولید آن تا مدت زمان بیشتری از طول کامل عمر محصول ادامه می‌یابند، می‌تواند انگیزه برای استفاده از مدل‌سازی در پژوهش را توجیه کند (Atasu & Souza, 2013). با این حال تحقیقاتی که با رویکرد فعالیت صورت گرفته بودند، اغلب هیچ اشاره‌ای به مقیاس‌های زمانی نکرده‌اند؛ زیرا ارتباط بین پیامدها اغلب به صراحت سنجیده و (همان‌طور که در بالا ذکر شد) نظریه‌پردازی نشده است.

همچنین محققان اغلب در تحقیقات [با رویکرد] پیامد نیز مقیاس‌های زمانی را مورد توجه قرار نمی‌دهند، که با توجه به اهمیت قابل توجه دوره زمانی‌ای که پیامد در آن سنجیده می‌شود، این امر مسئله‌ساز خواهد بود. فاصله زمانی بین یک فعالیت و پیامدهای آن ممکن است بین فعالیت‌ها متفاوت باشد (Herbig & et al, 1994). برای مثال، تعدیل کربن^۱ را در نظر بگیرید که تغییر (یعنی میزان کاهش انتشار کربن با ابداع یک فعالیت) را می‌سنجد. سنجش در قبل، حین و بعد از فعالیت مورد نیاز است. هر چند فعالیت کاهش انتشار می‌تواند بلافاصله مورد سنجش قرار گیرد، تأثیر فعالیت‌های دیگر، به‌ویژه فعالیت‌های مرتبط با توسعه انسانی، فقط در طول عمر یک فرد قابل سنجش است (Kaplan & Grossman, 2010). بنابراین به محققان علاقه‌مند به سنجش پیامدهای اجتماعی پیشنهاد می‌کنیم که فاصله زمانی‌ای که در آن پیامدها آشکار می‌شوند و همچنین منطق [انتخاب] فاصله زمانی‌ای را که سنجش در آن رخ داده است، مشخص کنند.

محققان همچنین بهتر است سطحی از تحلیل را که به لحاظ نظری پیامدها در آن سنجیده می‌شوند، در نظر داشته باشند (Rousseau, 1985). برخی از فعالیت‌ها ممکن است تنها تأثیر مستقیم روی کاربران هدف خود نداشته باشند، بلکه در سطوح دیگر تحلیل، تأثیرات ثانویه‌ای نیز داشته باشند. این موارد ممکن است شامل مزایایی برای افرادی غیر از کاربران، تغییرات درون صنایع و مانند آنها باشد که همواره زمان بیشتری برای وقوع و روشن شدن می‌طلبند. جالب توجه است که هر چند بیشتر مطالعات در مرور حاضر ادعا می‌کنند که اثرات را به صورت چندسطحی بررسی کرده‌اند، در واقع تعداد معدودی از آنها چنین سنجشی را انجام داده‌اند. بر اساس یافته‌های گوه و

همکاران که حاکی از وجود مازاد خالص حمایت اجتماعی^۱ (یعنی جریان اطلاعات) برای بیماران روستایی است، آنها نتیجه‌گیری کرده‌اند که ارزش اجتماعی ایجادشده در چنین سکوهایی نه تنها به نفع کاربران، بلکه به طور گسترده‌تر نافع کل سیستم بهداشت عمومی است. با وجود این آنها این اثرات چندسطحی را نسنجیده‌اند (Goh & et al, 2016: 260). به همین ترتیب سیمپسون و کوهرز^۲ (۲۰۰۲)، بانک‌ها را به خاطر حکم قانونی‌ای که آنها را متعهد به تأمین نیاز مشتریان کم‌درآمد نموده است، مورد مطالعه قرار داده‌اند. هر چند این قانون با این فرض به تصویب رسیده بود که شیوه‌های مورد نیاز [برای اجرای آن، سلامت اجتماعی و اقتصادی جوامع محلی را بهبود خواهد بخشید، سیمپسون و کوهرز (۲۰۰۲) این پیامدهای مرتبه دوم را نسنجیده‌اند.

در واقع تنها دو مطالعه در نمونه ما، تأثیر اجتماعی چندسطحی را مورد سنجش قرار داده‌اند. توبیاس و همکاران (۲۰۱۳)، اثرات تغییرات قانونی در رواندا را که اجازه ورود کشاورزان کوچک‌مقیاس را به قهوه‌کاری می‌داد، مورد مطالعه قرار دادند. هر چند آنها تغییرات درآمدی را اندازه‌گیری کردند، اثرات چندسطحی مرتبه دوم^۳ مانند تغییر در تعصب برون‌گروهی و اعتماد اجتماعی را نیز که از همین تغییرات منتج می‌شدند، مورد سنجش قرار دادند. به همین ترتیب اوتینگ (۲۰۰۹) در مطالعه موردی خود درباره تجارت منصفانه صنعت قهوه نیکاراگوئه، حالتی را بررسی می‌کند که در آن تجارت منصفانه از اثرات مضر جهانی شدن بر کشورهای فقیر می‌کاهد. او داده‌های مربوط به فهرست جامعی از ذی‌نفعان را گردآوری کرده است که تغییرات تاریخی طی بیست سال گذشته را با استفاده از انواع روش‌های گردآوری داده (عمدتاً اولیه و کیفی) می‌سنجد و شواهدی را پیدا کرده است که نشان می‌دهد تأثیر تجارت منصفانه شامل بهبود وضعیت معیشت‌ها، ایجاد ظرفیت سازمانی و تأثیرات سطوح بالای سیاستی و نهادی نیز می‌شود.

روش رویکرد بلندمدت و کیفی‌ای که توبیاس و همکاران (۲۰۱۳) و اوتینگ (۲۰۰۹) اتخاذ کرده‌اند، بیانگر نمونه‌هایی از چگونگی سنجش کامل تأثیر یک فعالیت است. اما با توجه به اینکه تحقق تأثیرات ثانویه چندسطحی یک فعالیت خاص ممکن است نیازمند گذشت زمان زیادی باشد و همچنین سنجش آنها منابع قابل توجهی را بطلبد، چالش‌های مهمی را نیز پدید می‌آورد. بنابراین هر چند ما غنای چنین رویکردی را می‌ستاییم و محققان را

1- Net Surplus of Social Support
2- Simpsons and Kohers
3- Second-Order Multilevel Effects

به اتخاذ آن تشویق می‌کنیم، از مزایای رویکرد کمی نیز غافل نمی‌شویم. هرچند نمونه‌ای از آن در مرور ما وجود ندارد، پیشنهاد می‌کنیم دانشمندان از روش‌هایی استفاده کنند که اثرات چندمرحله‌ای و مرتبه بالاتر را که در جریان تحقیقات مرتبط ایجاد می‌شود، بررسی کنند.

برای نمونه کیرشهوف و همکاران (۲۰۰۷) شواهدی پیدا کرده‌اند مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاری دولت مرکزی در تحقیق و توسعه دانشگاه (یعنی یک فعالیت) نه تنها منجر به ایجاد شرکت‌های جدید فناوری پیشرفته (یعنی یک پیامد اولیه) می‌شود، بلکه به طور غیر مستقیم در ایجاد شرکت‌های خدماتی که به دنبال پشتیبانی از شرکت‌های یادشده هستند (یعنی یک پیامد ثانویه) نیز نقش دارند. محققان، نه فقط در چارچوب تأثیر اجتماعی، استدلال می‌کنند که به جای فرضیه‌سازی روابط ساده علت و معلولی در مطالعات توسعه اقتصادی، «بهتر است روابط پویاتری را ارائه دهند و آزمایش کنند که در نهایت ممکن است درباره نحوه شکل‌گیری شرکت‌های جدید و همچنین میزان کمکی که به جامعه می‌کنند، آگاهی بیشتری به ما بدهند» (Kirchhoff & et al, 2007: 557). برای انجام این کار، آنها داده‌های تاریخی را از منابع ثانویه مختلفی گردآوری می‌کنند و آنها را با تحلیل رگرسیون حداقل مربعات دومرحله‌ای^۱، که به طور خاص برای آزمون روابط ثانویه و متقابل طراحی شده است، تحلیل می‌کنند. هرچند این تنها یک نمونه مرتبط است، به خوبی نشان می‌دهد که چگونه محققان، علاقه کمی‌محوری به تأثیرات اجتماعی دارند که ممکن است نمونه‌هایی از این قبیل را دنبال کنند که روش‌شناسی مورد استفاده آنها چندین مرحله از تأثیرات را لحاظ کرده و اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت فعالیت‌هایی را که به سود جامعه انجام شده‌اند، می‌سنجند و تحلیل می‌کنند.

همچنین دریافتیم که تعدادی از مقالات موجود در نمونه ما، به ویژه مطالب منتشر شده در زمینه‌های اقتصاد و عملیات، تأثیرات اجتماعی را در سطح محصول یا پروژه تعریف و سنجش کرده‌اند (Bartling & et al, 2015). برای مثال، مقالات تحلیل چرخه عمر استدلال می‌کنند که تأثیر اجتماعی محصول پس از تولید و تازمان استفاده و دور انداختن آن ادامه می‌یابد، به گونه‌ای که اغلب تأثیرات به طور کامل توسط شرکت‌ها درونی‌سازی نمی‌شود (Gauthier, 2005). علاوه بر این چنین تأثیراتی تمایل دارند در سراسر زنجیره تأمین گسترش یابند (Wu & Pagell, 2011). این مطالعات نشان می‌دهد که تأثیرات اجتماعی

محصولات یک شرکت اغلب طولانی‌مدت و گسترده هستند. بینش حاصل از این مطالعات نه تنها نیاز به لحاظ کردن زمان در تحلیل‌ها را تقویت می‌کند، بلکه گسترش دامنهٔ چیزهایی را که باید با گذشت زمان سنجیده شود نیز طلب می‌کند. بنابراین ما از محققان می‌خواهیم که شبکه روابط متقابل بین همکاران در طول زنجیره ارزش را هنگام مفهوم‌سازی و سنجش تأثیر در نظر بگیرند تا بتوانیم شناخت کامل‌تری از ماهیت بسیط چگونگی تأثیرگذاری شرکت‌ها بر جامعه کسب کنیم.

تولید داده‌های تأثیر اجتماعی

همان‌طور که پیشتر مطرح شد، تحقیقات تأثیر اجتماعی برای پیشرفت سریع‌تر، به منابع جدید داده نیاز دارد. ما معتقدیم که یک نمونه امیدوارکننده که می‌تواند در تحقیقات چندبخشی کمک‌کننده باشد، گواهینامه سازمانی B-Corp^۱، بر اساس ارزیابی اختصاصی تأثیر B توسط آزمایشگاه غیر انتفاعی B-Lab^۲ است. ارزیابی تأثیر ابتدایی B^۳ تلاش کرده است تا بهترین روش‌ها را بر اساس کارهای شبکه سرمایه‌گذاری اجتماعی^۴، مؤسسه سرمایه طبیعی^۵ و نسخه شرکت‌های کوچک استانداردهای طرح گزارشگری جهانی^۶ (آزمایشگاه‌های B - تاریخ ما، ۲۰۱۳) تولید کند. این ارزیابی تأثیر شامل یک چک‌لیست است که اقدامات و پیامدها را مشخص می‌کند و آنها را با عنوان «از نظر اجتماعی مسئولانه» یا «از نظر اجتماعی تأثیرگذار» به پنج گروه تخصیص می‌دهد: محیط‌زیست، اجتماع، کارگران، مشتریان و حکمرانی. نمره‌های هر یک از این مؤلفه‌ها جمع می‌شود تا امتیاز کلی B به دست آید. با گذشت زمان، ارزیابی تأثیر توسعه‌یافته‌تر شده است که این امر، وزن‌دهی افتراقی^۶ مؤلفه‌ها بر اساس اندازهٔ سازمان، صنعت و جغرافیا را میسر کرده است.

نمره B حاصل شده، ارزیابی‌های مقوله‌ای تأثیرات اجتماعی را به دو روش عمده ممکن می‌سازد. در وهله اول، شرکت‌های «تأییدشده» (یعنی آنهایی که تأثیر مثبت بر جامعه دارند) را از شرکت‌های «تأییدنشده» (یعنی مواردی که اینگونه نیستند) تمییز می‌دهد. در وهله دوم، امکان مقایسه‌های ترتیبی بین شرکت‌های تأییدشده را فراهم می‌کند؛ بدین صورت که شرکت‌هایی که نمرات بالاتری دارند، نسبت به شرکت‌هایی که نمرات پایین‌تری دارند،

- 1- B-Corp Organizational Certification
- 2- Initial B Impact Assessment
- 3- Social Venture Network
- 4- Natural Capital Institute
- 5- Global Reporting Initiative
- 6- Differential weighting

به لحاظ نظری تأثیر گذارتر هستند. به عنوان نکته آخر، هر چند گزارش‌های گواهینامه B-Corp نسبت به سایر منابع ثانویه متمرکز بر تأثیرات اجتماعی، داده‌های مربوط به شرکت‌های بسیار کوچک‌تری را ارائه می‌دهد، شرکت‌ها مجبورند استفاده از سنجه‌ها را انتخاب کنند. بنابراین اثر خالص [این انتخاب] بر تعمیم‌پذیری، مبهم است.

با توجه به نقاط قوت و ضعف داده‌های B-Lab، در کنار این واقعیت که این داده‌ها با گرایش‌های دانشگاهی توسعه نیافته‌اند، ما از محققان دانشگاهی می‌خواهیم که پایگاه‌های داده بزرگ‌مقیاسی را ایجاد کنند که متناسب با سؤالات مورد علاقه فعالان میدانی این زمینه باشد و در حالت ایده‌آل، رویکردهای «چندبخشی» و «تک‌بخشی» را به یکدیگر ارتباط دهد. به دنبال استدلال کروگر و وبر^۱ (۲۰۱۴) مبنی بر اینکه تأثیر اجتماعی را می‌توان به عنوان تغییرات رفاه انسان مفهوم‌سازی (و سنجش) کرد و با این درک که تأثیرات اجتماعی اغلب دارای تأثیرات مؤخر^۲ هستند (Utting, 2009)، پیشنهاد می‌کنیم که محققان از پاسخ‌دهندگان در مکان‌هایی که فعالیت‌های مختلفی در آن انجام می‌شود، پیمایش‌های طولی تهیه کنند. محققان می‌توانند این مسئله مقایسه انواع مختلف تأثیراتی که با واحدهای هم‌ارز سنجیده نشده‌اند (مثلاً زندگی‌های نجات‌یافته در برابر دسترسی به آموزش) را با استفاده از سنجه‌های استاندارد شده رفاه انسانی، حل کنند (Dees, 1998). در حالی که گردآوری چنین داده‌هایی برای یک محقق تنها، کار ساده‌ای نیست، محققان کارآفرینی تجربه کار جمعی برای رسیدگی به مشکلات داده‌ای مشابه را دارند. در سال ۱۹۹۶، افرادی از ۲۲ دانشگاه (برای مثال کنسرسیوم تحقیقات کارآفرینی) متعهد شدند که منابع مالی و سایر منابع لازم را جهت گردآوری داده‌های مربوط به شرایط محیطی فرآیند راه‌اندازی شرکت‌های جدید (استارت‌آپی) در آمریکا تأمین کنند. در نتیجه این اقدام، مطالعه پانل پایگاه داده کارآفرینی^۳ PSED I و در ادامه PSED II، منجر به ده‌ها مطالعه تجربی (Davidsson & Gordon, 2012) شد و درک ما را از فرآیند راه‌اندازی استارت‌آپ‌ها به شدن ارتقا داد (Reynolds & White, 1997). رویکردی مشابه می‌تواند موجب تقویت تحقیقات در مورد تأثیرات اجتماعی شود. داده‌های اجتماعی حاصل از یک مطالعه پانلی دیگر با عنوان دیده‌بان کارآفرینی جهانی^۴ (GEM) با بودجه مشابه، به تفسیرهای مبهم از اهداف و مقاصد شرکت‌ها محدود شده است

1- Kroeger and Weber

2- Lagged Effects

3- Panel Study of Entrepreneurship Database

4- Global Entrepreneurship Monitor

و به همین ترتیب فعالیت‌ها و پیامدهای انگیزه‌های اجتماعی شرکت‌ها [در آن] قابل سنجش نیست.

بنابراین ما به پیشنهادهای قبلی خود، ایجاد پایگاه داده تأثیرات اجتماعی بزرگ‌مقیاس را اضافه می‌کنیم (ر.ک: Desouza & Smith, 2014) و از محققان می‌خواهیم تا درباره نحوه شبیه‌سازی روش PSED یا GEM در این فضا به طور جدی به گفت‌وگو بنشینند. سازمان‌های بخش خصوصی، مانند سازمان‌های سرمایه‌گذار تأثیر اجتماعی^۱، هماکنون نیز روی ایجاد سنج‌های مناسب برای انواع خاصی از مسائل اجتماعی شروع به کار کرده‌اند (Milligan & Schoning, 2011). برای مثال هرچند در این مرور فقط یک مقاله، تأثیر اجتماعی را برحسب بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری یک شرکت مفهوم‌سازی کرده است (Hall & et al, 2015)، این مفهوم توجه متخصصان و دست‌اندرکاران را به خود جلب کرده است؛ زیرا اعتقاد بر این است که این پیامد برای سرمایه‌گذاران، مهم تلقی می‌شود (Lingane & Olsen, 2004). محققان می‌توانند برای تلاش‌هایی جهت گردآوری داده‌های تأثیرات اجتماعی تحت لوای بازده اجتماعی سرمایه‌گذاری، از متخصصان و دست‌اندرکاران [این حوزه] کمک بگیرند. همان‌طور که تحقیق ما و حضور در کنفرانس‌های برتر کارآفرینی اجتماعی نشان می‌دهد، تأثیر اجتماعی موضوعی است که مورد علاقه رشته‌های مختلف کسب‌وکار است که این امر خود حاکی از علاقه گسترده و مهمتر از آن، پشتیبانی زیادی است که برای ایجاد چنین پایگاه داده‌ای وجود دارد. ما معتقدیم که اندیشمندان کارآفرینی که تجربه غلبه بر کمبود داده‌های کافی را دارند، برای کمک به هدایت این تلاش‌ها در موقعیت خوبی قرار دارند.

نتیجه‌گیری

ما این مرور را به منظور فراهم ساختن دیدگاهی روشن نسبت به تحقیقات تأثیرات اجتماعی انجام داده‌ایم. علی‌رغم تحقیقات گسترده و متعدد درباره این موضوع بین رشته‌های مختلف، ماهیت تکه‌تکه‌شده آن، تاکنون مانع از دستیابی به یک درک روشن از روندها و بهترین شیوه‌های مربوط به مفهوم‌سازی و سنجش شده است. در واکنش [به این مسئله]، ما با هدف قرار دادن مجله‌های برتر کسب‌وکار، تور گسترده‌ای پهن کردیم تا انواع روش‌های نظری و تجربی برخورد با تأثیرات اجتماعی را ضبط کنیم. هرچند دقت زیادی برای حصول اطمینان از انتخاب‌های انجام‌شده صرف شد تا مقالات نسبت به نظریه و پیشینه خود پایبند باشند و یک نمونه متناسب

که نماینده مقالات تأثیر اجتماعی باشد گردآوری شود، می‌دانیم که معیارهای انتخاب نمونه ما مانند تمام معیارها، ممکن است منجر به حذف برخی مقالات شده باشد که ممکن است در نظر سایر محققان مرتبط و متناسب باشد. از جمله مقالاتی که با گویه‌های مرتبط مانند سرمایه‌گذاری از نظر اجتماعی مسئولانه (Cumming & Johan, 2007)، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (Bermis & et al, 2013) و کارآفرینی اجتماعی (Bermis & et al, 2013) سروکار دارند.

هرچند ممکن است رویکرد ما منجر به حذف برخی مقالات بالقوه مرتبط شده باشد، در توسعه روش‌شناسی خود برای رسیدن به نمونه‌ای متشکل از مرتبط‌ترین مقالات بسیار دقت کرده‌ایم. این کار با توجه به استفاده گسترده و ناسازگار از این گویه‌ها و گویه‌های مرتبط با آن در ادبیات، وظیفه بسیار سختی بود (Lyon & Fernandez, 2012). بنابراین هرچند معتقدیم که در ترسیم واضح مرزهای پیرامون آنچه تحقیقات تأثیرات اجتماعی را تشکیل می‌دهد موفق بوده‌ایم، اذعان داریم که نمونه ما، تمام کارهایی را که درباره این موضوع صورت گرفته است، در بر نمی‌گیرد. به همین دلیل، فرصتی برای محققان وجود دارد که یافته‌های ما را در این زمینه‌ها و زمینه‌های مشابه با لحاظ کردن معیارهای متفاوت انتخاب نمونه بسط دهند. با توجه به تمرکز شدید ما بر تأثیرات اجتماعی، معتقدیم که برخی از بینش‌های مهم موجود در نمونه را درباره حضور زمینه و همچنین چگونگی پیشرفت آن در آینده جمع‌آوری کرده‌ایم. البته ادعا نداریم که پیشنهادهای ما باید به صورت جامع یا مطلق تفسیر شود؛ بلکه ما آنها را فقط با هدف تحریک تفکر و مباحثه درباره گذشته، حال و آینده پژوهش‌های تأثیرات اجتماعی ارائه داده‌ایم. ما معتقدیم که دانشمندان کارآفرینی در موقعیت خوبی جهت کمک به پیشبرد این تلاش‌ها قرار دارند و بنابراین آنها را ترغیب می‌کنیم که درباره این گویه مهم، با دقت فکر کنند و داده‌هایی را گردآوری کنند که به تحقیقات تأثیر اجتماعی، جهت‌های جدید و معنی‌داری خواهد بخشید.

توصیف تفصیلی نمونه

| مقاله | | گویه | | سنجش | | |
|--------------------------|------------|----------------------|----------------------------------|----------|--------|--|
| ارجاع | زمینه | اصطلاح | تعریف | نوع | داده | عملیاتی سازی / مفهوم سازی |
| Agrawal & et al (2012) | محیط زیستی | تأثیرات محیط زیستی | چرخه عمر محصول | مدل سازی | | تأثیرات محیط زیستی (تولید، مصرف و دور انداختن) لیزینگ در برابر فروش |
| Agrawal & Ulku, (2013) | محیط زیستی | تأثیرات محیط زیستی | چرخه عمر محصول | مدل سازی | | تأثیرات محیط زیستی (تولید، مصرف و دور انداختن) و همچنین سودآوری مالی ناشی از تولید پودمانی |
| Atasu & Souza (2013) | محیط زیستی | تأثیرات محیط زیستی | چرخه عمر محصول | مدل سازی | | مثال هایی شامل مصرف انرژی، استفاده از مواد تجدیدناپذیر، انتشار کربن، سمی بودن و غیره |
| Bai (2013) | اجتماعی | عملکرد اجتماعی | نمودهای خارجی | کمی | ثانویه | جمع هزینه های مراقبت های جبران نشده، خالص هزینه های آموزش و خالص هزینه های پژوهش، تقسیم بر درآمدها |
| Bartling & et al (2015) | تفصیلی | عملکرد اجتماعی | | کمی | اولیه | تأثیرات اجتماعی منفی = وجود اثرات منفی محصول روی بازیگران آزمایش خرید |
| Battilana & et al (2015) | مدیریتی | عملکرد اجتماعی | متفرقه (پیامدهای اجتماعی) | کمی | ثانویه | درصد منتفعانی که از طریق شرکت های اجتماعی ادغام کاری، یک شغل عادی پیدا کردند. |
| Berrone & et al (2010) | مدیریتی | عملکرد محیط زیستی | متفرقه (سرمایه گذاری محیط زیستی) | کمی | ثانویه | انتشار وزن دهی شده به وسیله پتانسیل سمی بودن برای انسان |
| Boulouta (2013) | اجتماعی | مسئولیت اجتماعی شرکت | اصول، فرآیندها، پیامدها | کمی | ثانویه | نقاط قوت KLD و دغدغه های KLD |
| Brammer & Pavelin (2006) | مدیریتی | مسئولیت اجتماعی شرکت | حل مسئله | کمی | ثانویه | جمع نرمال سازی شده عملکرد کارکنان، عملکرد محیط زیستی و اجتماعی با استفاده از داده های EIRIS |
| Brickson (2007) | مدیریتی | ارزش اجتماعی | متفرقه (رفاه محیط زیستی) | نظری | ثانویه | ارزش اجتماعی مبتنی بر ذی نفع که نیازهای انسانی را مرتفع و ارزش های انسانی را تقویت می کند. |

| مقاله | | گویه | | سنجش | | |
|-----------|--------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|----------|--------|--|
| اختر | Casselman & et al (2015) | عملکرد اجتماعی | اصول، فرآیندها، پیامدها | کمی | ثانویه | جهت گیری اجتماعی بیانیه های رسالت (قصد)، تدارک (بله یا خیر) خدمات پس انداز خرد یا بیمه خرد (فرآیند)، تعداد وام گیرندگان فعال و متوسط مقدار وام (پیامد) |
| عمل | Chen & Delmas (2011) | مسئولیت اجتماعی شرکت | تأثیر ذی نفعان | کمی | ثانویه | شاخص کارایی ترکیبی KLD (دغدغه ها = ورودی ها، نقاط قوت = خروجی ها) |
| عمل | Chen & Delmas (2012) | کارایی محیط زیستی | نمودهای خارجی | مدل سازی | | خروجی های محیط زیستی عمومی (انتشار مواد سمی یا گازهای گلخانه ای) |
| اختر | Chen & et al (2008) | مسئولیت اجتماعی شرکت | متفرقه (شناسایی، فرآیند و برنامه ها) | کمی | ثانویه | دغدغه های KLD، هم جمع شده و هم تفکیک شده |
| کارآزمایی | Corner & Ho (2010) | ارزش اجتماعی | حل مسئله | کیفی | اولیه | مثال اشتغال زایی برای فقرا در هند |
| مدیریت | Crilly & et al (2016) | عملکرد اجتماعی | نمودهای خارجی | کمی | ثانویه | ترکیب رتبه سنجی های حقوق بشر، موارد کار اجباری، شراکت با مشتری و روابط جمعی (اجتماعی - سیاسی) و مدیریت، گزارش دهی، گواهینامه های محیط زیستی و استفاده از مواد (محیط زیستی) یک شرکت با استفاده از داده های Innovešt |
| اختر | Cuesta-Gonzalez & et al (2006) | عملکرد اجتماعی | تعریف با مثال (ها) | کمی | ثانویه | رتبه بندی های بانکها بر اساس شانزده معیار مربوط به حکمرانی، ذی نفعان، حقوق بشر و عملیات در کشورهای فقیر (بعد درونی)، درجه شفافیت و تعهد به ابعاد درونی (بعد بیرونی) |
| اختر | di Norcia (1996) | عملکرد محیط زیستی، عملکرد اجتماعی | متفرقه (مسئولیت پذیری) | مفهومی | | سنجه های بنیادین مستقیم و غیر مستقیم، طبقه بندی شرکتها در یکی از طبقات چهار گانه عملکرد اجتماعی |
| کارآزمایی | Di Domenico & et al (2010) | ارزش اجتماعی | تعریف با مثال (ها) | کیفی | اولیه | انواع مختلف ارزش اجتماعی (ادغام کاری، انسجام جمعی) فهرست شده از مطالعه موردی هشت شرکت |

| سنجش | | گویه | | مقاله | |
|--|--------|----------|-------------------------|----------------------|--|
| رتبه‌بندی‌های کلی تأثیرات اجتماعی با هشتاد محک‌زنی در بین ده طبقه تبیین شده | | توصیفی | | تأثیر اجتماعی | اخلاق Dillenburg & et al (2003) |
| تمایل به پرداخت منهای کل منابع استفاده‌شده در مدل‌سازی ارزش اجتماعی منفی مرتبط با اضافه‌ساز چاقی مفرط فست‌فودی | | مدل‌سازی | استفاده از منابع | ارزش اجتماعی | بازاریابی Dobson & Gerstner (2010) |
| کل استفاده از مواد بکر | | مدل‌سازی | | تأثیر محیط‌زیستی | عملیاتی Galbreth & et al (2013) |
| روش‌شناسی بسط‌یافته تحلیل چرخه محصول ارائه‌شده با مثال دستگاه‌های جانبی کامپیوتری پایدار | اولیه | توصیفی | تعریف با مثال(ها) | عملکرد اجتماعی | اخلاق Gauthier (2005) |
| جهت جریان اطلاعاتی برخط در انجمن‌های گفت‌وگوی برخط بهداشتی درمانی | ثانویه | کمی | نمودهای خارجی | ارزش اجتماعی | سیستم‌های اطلاعاتی Goh & et al (2016) |
| نمونه‌های اجرای سنجش SROI در انگلستان و آمریکا | اولیه | کیفی | نمودهای خارجی | ارزش اجتماعی | مدیریت Hall & et al (2015) |
| فایده‌ها و هزینه‌های مربوط به سطوح متغیر خروجی‌های اجتماعی تحت شرایط انگیزشی متفاوت | | مدل‌سازی | نمودهای خارجی | عملکرد اجتماعی | مدیریت Husted & et al (2006) |
| فواید داده‌های ARESE با نشانگرهای متعدد مورد استفاده برای مقایسه و تبیین | ثانویه | کیفی | اصول، فرآیندها، پیامدها | عملکرد اجتماعی | اخلاق Igalens & Gond (2005) |
| میانگین هم‌وزن نمرات عملکرد اجتماعی و محیط‌زیستی با استفاده از داده‌های ASSET4 | ثانویه | کمی | اصول، فرآیندها، پیامدها | مسئولیت اجتماعی شرکت | مدیریت Ioannou & Serafeim (2012) |
| مطالعه موردی هشت شرکت لبنانی از صنایع مختلف | اولیه | کیفی | اصول، فرآیندها، پیامدها | تأثیر اجتماعی | اخلاق Jamali & Mirshak (2007) |
| نمره عملکرد اخلاقی (شصت روش برتر) از طریق پیمایش | اولیه | کیفی | اصول، فرآیندها، پیامدها | تأثیر اجتماعی | اخلاق Jamali (2008) |
| روش‌ها و پیامدهای شناسایی شده از طریق مصاحبه با ۲۴ شرکت کوچک انگلستانی برنده جایزه | اولیه | کیفی | تعریف با مثال(ها) | عملکرد اجتماعی | اخلاق Jenkins (2006) |

| مقاله | | گویه | | سنجش | | |
|-----------------------------|--------|----------------------|--------------------------|----------|--------|--|
| Jo & et al (2015) | اخلاق | تأثیر محیط‌زیستی | نمودهای خارجی | کمی | ثانویه | انتشار وزن دهی شده به وسیله پتانسیل سمی بودن برای انسان |
| Kang (2013) | مدیریت | مسئولیت اجتماعی شرکت | تأثیر ذی‌نفع | کمی | ثانویه | ترکیب نقاط قوت و دغدغه‌های KLD |
| Kaplan & Grossman (2010) | مدیریت | تأثیر اجتماعی | | مفهومی | | جریان درآمد طول عمر، سال‌های زندگی تعدیل شده بر اساس کیفیت و شایستگی‌ها (عملکرد کارکنان و حفظ دانشجویان) و تأثیرات مستقیم (کیفیت مدرسه و معیارهای کلی پیشرفت دانشجویی) |
| Kleine & von Hauff (2009) | اخلاق | تأثیر اجتماعی | | توصیفی | | مثلث پایداری یکپارچه |
| Kneiding & Tracey (2009) | اخلاق | عملکرد اجتماعی | تعریف با مثال (ها) | کیفی | اولیه | مصاحبه با بیست مؤسسه مالی توسعه اجتماعی |
| Kroeger & Weber (2014) | مدیریت | ارزش اجتماعی | متفرقه (کاهش نیاز) | نظری | | قضاوت ذهنی پاسخ‌دهندگان از رفاه، مسبب تفاوت بین آرزوها و دستاوردها |
| Liston-heyas & Ceton (2009) | اخلاق | مسئولیت اجتماعی شرکت | | کمی | ثانویه | ترکیب نقاط قوت و دغدغه‌های KLD؛ تغییر شکل یافته به رتبه‌بندی |
| Manner (2010) | اخلاق | مسئولیت اجتماعی شرکت | اصول، فرآیندها، پیامدها | کمی | ثانویه | نقاط قوت و دغدغه‌های KLD |
| Marom (2006) | اخلاق | مسئولیت اجتماعی شرکت | متفرقه (محصولات اجتماعی) | مفهومی | | مدل مفهومی تولید محصولات اجتماعی برای ذی‌نفعان مختلف |
| McGuire & et al (2003) | اخلاق | مسئولیت اجتماعی شرکت | تأثیر ذی‌نفع | کمی | ثانویه | نقاط قوت و دغدغه‌های KLD |
| McWilliams & Siegel (2011) | مدیریت | ارزش اجتماعی | نمودهای خارجی | نظری | | یک نفع اجتماعی (نمود خارجی) که در صورت فزونی نسبت به هزینه شخصی تولید آن، می‌تواند به مزیت رقابتی پایدار منجر شود. |
| Murali & et al (2015) | عملیات | تأثیر اجتماعی | تعریف با مثال (ها) | مدل‌سازی | | مقدار کل آب موجود و مجموع سطح آبخوان در مدل تجارت آب بین مناطق شهری |

| مقاله | | گویه | | سنجش | |
|-----------|--|-----------------------------------|-----------------------------|----------|---|
| مجله | O'Dwyer (2005) | عملکرد اجتماعی | تأثیر ذی‌نفع | کیفی | اولیه |
| مدیریت | Oikonomou & et al (2014) | مسئولیت اجتماعی شرکت | اصول، فرآیندها، پیامدها | کمی | ثانویه |
| عملیات | Ovchinnikov & et al (2014) | تأثیر محیط‌زیستی | تعریف با مثال (ها) | مدل‌سازی | مصرف انرژی (نسبت به هر واحد و نسبت به هر دلار درآمد) |
| عملیات | Pagell & Gobeli (2009) | عملکرد محیط‌زیستی، عملکرد اجتماعی | مردم، منافع و کره زمین | کمی | ثانویه |
| مالی | Peng & Yang (2014) | عملکرد اجتماعی | | کمی | سرمایه‌گذاری (بله یا خیر) روی تجهیزات کنترل آلاینده‌گی |
| مدیریت | Pitsakis & et al (2015) | تأثیر اجتماعی | نمودهای خارجی | کمی | خروجی‌های جانبی (فعالیت‌های پژوهشی جانبی تا مرزی) از ۱۱۳ دانشگاه آمریکا |
| عملیات | Quariguasi-FrotaNeto & Bloemhof (2012) | تأثیر محیط‌زیستی | استفاده از منابع | مدل‌سازی | مصرف انرژی تجمعی بازتولید در برابر تولید بکر تلفن‌های همراه و کامپیوترهای شخصی |
| کارآفرینی | Randøy & et al (2015) | عملکرد اجتماعی | متفرقه (تحقق رسالت اجتماعی) | کمی | مقدار وام، رشد وام یا مشتری‌ها، وام به مشتریان روستایی در بین ۲۹۵ مؤسسه مالی خرد |
| عملیات | Raz et al. (2013) | تأثیر محیط‌زیستی | تعریف با مثال (ها) | مدل‌سازی | مصرف انرژی و استفاده از مواد (تولید و استفاده) |
| اخلاق | Renouard (2011) | مسئولیت اجتماعی شرکت | تأثیر ذی‌نفع | مفهومی | مثال‌هایی شامل ظرفیت ارتباطی فردی، توانمندسازی جمعی و کیفیت ارتباط بین جوامع و درون جوامع |
| بازاریابی | Romijn & Caniels (2011) | تأثیر اجتماعی | مردم، منافع و کره زمین | کیفی | اولیه |
| مالی | Salazar & et al (2012) | تأثیر اجتماعی، عملکرد اجتماعی | نمودهای خارجی | کمی | کاهش زمان یا هزینه ساخت‌وساز، افزایش رفاه (پس‌انداز، متراژ مسکن، بهداشت، پیوندهای جمعی و توسعه اعتبار) ناشی از وام‌های خرد ساخت‌وساز مسکن |

| سنجش | | گویه | | مقاله | |
|--|--------|----------|-------------------------|---|----------------------------|
| رتبه‌بندی‌های عملکرد شرکت درباره کارکنان، حکمرانی شرکتی، مدیریت محیط‌زیستی، مسئولیت‌پذیری محصول و مشتری و جامعه و اجتماع | ثانویه | کمی | اصول، فرآیندها، پیامدها | مسئولیت اجتماعی شرکت | Schreck (2011) |
| نگاه منفعت‌گرایانه مبنی بر اینکه مسئولیت اجتماعی شرکت، فارغ از حیث التفاتی، از پیامدها نشأت می‌گیرد. | | نظری | نمودهای خارجی | عملکرد اجتماعی | Schuler & Cording (2006) |
| ظرفیت شرکت برای ایجاد اعتماد و وفاداری به وسیله کارکنان، مشتریان و جامعه خود (اجتماعی)؛ تأثیر شرکت بر سیستم‌های طبیعی زنده و غیر زنده (محیط‌زیستی) | ثانویه | کمی | | مسئولیت اجتماعی شرکت، عملکرد محیط‌زیستی | Shaukat & et al (2016) |
| رعایت قانون سرمایه‌گذاری مجدد اجتماعی توسط بانک | ثانویه | کمی | نمودهای خارجی | عملکرد اجتماعی | Simpson & Kohers (2002) |
| مشارکت (بله یا خیر) در پیمان جهانی سازمان ملل متحد با طرح GRI | ثانویه | کمی | تأثیر ذی‌نفع | مسئولیت اجتماعی شرکت | Soleimani & et al (2014) |
| رتبه‌بندی شاخص شهرت شرکت‌های Fortune (عملکرد اجتماعی) و انتشار آلاینده‌های شرکت (عملکرد محیط‌زیستی) | ثانویه | کمی | اصول، فرآیندها، پیامدها | عملکرد محیط‌زیستی، عملکرد اجتماعی | Stanwick & Stanwick (1998) |
| پیامدهای مفید تجربه‌شده توسط کسانی که موجب شروع تغییر نشدند. | | مفهومی | نمودهای خارجی | مسئولیت اجتماعی شرکت | Stephan & et al (2016) |
| انرژی، مواد، بسته‌بندی و زائدات | | مدل‌سازی | تعریف با مثال(ها) | تأثیر محیط‌زیستی | Stuart & et al (1999) |
| کاهش فقر به عنوان ارزش اقتصادی و حل تعارض در صنعت قهوه رواندا | اولیه | کمی | | ارزش اجتماعی | Tobias & et al (2013) |
| تغییر در معیشت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی قهوه‌کاران نیکاراگوئه، سازمان‌ها، محیط طبیعی، سیاست‌های سطح کلان و شانس موفقیت طرح‌های تجارت منصفانه در آینده | اولیه | کیفی | نمودهای خارجی | تأثیر اجتماعی | Utting (2009) |

| سنجش | | گویه | | مقاله | |
|---|--------|----------|-------------------------------|---------------------------------------|-----------------------------------|
| نقاط قوت و دغدغه‌های KLD، همچنین ابعاد تفکیک شده هفت‌گانه | ثانویه | کمی | اصول، فرآیندها، پیامدها | مسئولیت اجتماعی شرکت | Van der Laan & et al (2008) |
| مواد منتشره توسط وسایل نقلیه | ثانویه | مدل‌سازی | نمودهای خارجی | تأثیر محیط‌زیستی | Van Woensel & et al (2001) |
| نقاط قوت و دغدغه‌های تفکیک شده KLD، سنجه دودویی نوآوری اجتماعی KLD | ثانویه | کمی | اصول، فرآیندها، پیامدها | مسئولیت اجتماعی شرکت | Wagner (2010) |
| مثال‌های تبیین شده از مطالعه موردی هشت شرکت روش‌های زنجیره تأمین پایدار پیشرو - شناسایی شده به صورت روایتی | اولیه | کیفی | | تأثیر محیط‌زیستی، تأثیر اجتماعی | Wu & Pagell (2011) |
| مثال‌هایی درباره ارزش اجتماعی که نیاز به تحقیقات آتی دارند. | | مفهومی | تعریف با مثال(ها) | تأثیر اجتماعی، ارزش اجتماعی | Zahra & Wright (2016) |

پی‌نوشت

۱. سازمان‌های کارآفرین اجتماعی با مأموریت وارد کردن یا بازگرداندن افراد آسیب‌پذیر به بازار کار (مترجم).
۲. داده‌های نامطلوبی که داده‌های دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا به نوعی موجب اختلال در درک پدیده می‌شود (مترجم).

منابع

1. Aerts, K., & Schmidt, T. (2008). Two for the price of one? Additionality effects of R&D subsidies: A comparison between Flanders and Germany. *Research Policy*, 37(5), 806–822.
2. Agle, B. R., Donaldson, T., Freeman, R. E., Jensen, M. C., Mitchell, R. K., & Wood, D. J. (2008). Dialogue: Toward superior stakeholder theory. *Business Ethics Quarterly*, 18(2), 153–190.
3. Agle, B. R., & Kelley, P. C. (2001). Ensuring validity in the measurement of corporate social performance: Lessons from corporate United Way and PAC campaigns. *Journal of Business Ethics*, 31(3), 271–284.
4. Agrawal, V. V., Ferguson, M., Toktay, L. B., & Thomas, V. M. (2012). Is leasing greener than selling? *Management Science*, 58(3), 523–533.
5. Agrawal, V. V., & Ulku, S. (2013). The role of modular upgradability as a green design strategy. *Manufacturing & Service Operations Management*, 15(4), 640–648.
6. Atasu, A., & Souza, G. C. (2013). How does product recovery affect quality choice? *Production and Operations Management*, 22(4), 991–1010.
7. Austin, J., Stevenson, H., & Wei-Skillern, J. (2006). Social and commercial entrepreneurship: Same, different, or both? *Entrepreneurship Theory and Practice*, 30(1), 1–22.
8. B Labs - Our History. (2013). B corporation. Retrieved <http://www.bcorporation.net/what-are-b-corps/the-non-profit-behind-b-corps/our-history>
9. Bacharach, S. B. (1989). Organizational theories: Some criteria for evaluation. *Academy of Management Review*, 14(4), 496–515.
10. Bae, T. J., Qian, S., Miao, C., & Fiet, J. O. (2014). The relationship between entrepreneurship education and entrepreneurial intentions: A meta-analytic review. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(2), 217–254.
11. Bai, G. (2013). How do board size and occupational background of directors influence social performance in for-profit and non-profit organizations? Evidence from California hospitals. *Journal of Business Ethics*, 118(1), 171–187.
12. Bakker, F. G. A. D., Groenewegen, P., & Hond, F. D. (2005). A bibliometric analysis of 30 years of research and theory on corporate social responsibility and corporate social performance. *Business & Society*, 44(3), 283–317.
13. Baron, R. A., & Ensley, M. D. (2006). Opportunity recognition as the detection of meaningful patterns: Evidence from comparisons of novice and experienced entrepreneurs. *Management Science*, 52(9), 1331–1344.
14. Bartling, B., Weber, R. A., & Yao, L. (2015). Do markets erode social responsibility? *Quarterly Journal of Economics*, 130(1), 219–266.
15. Battilana, J., & Dorado, S. (2010). Building sustainable hybrid organizations: The case of commercial microfinance organizations. *Academy of Management Journal*, 53, 1419–1440.
16. Battilana, J., Sengul, M., Pache, A., & Model, J. (2015). Harnessing productive tensions in hybrid organizations: The case of work integration social enterprises. *Academy of Management Journal*, 58(6), 1658–1685.
17. Bermis, Y. S., Zajac, E. J., & King, B. G. (2013). Under construction: How commensuration and management fashion affect corporate reputation rankings. *Organization Science*, 25(2), 591–608.
18. Berrone, P., Cruz, C., Gomez-Mejia, L. R., & Larraza-Kintana, M. (2010). Socioemotional wealth and corporate responses to institutional pressures: Do family-

- controlled firms pollute less? *Administrative Science Quarterly*, 55(1), 82–113.
20. Boulouta, I. (2013). Hidden connections: The link between board gender diversity and corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 113(2), 185–197.
21. Brammer, S., & Pavelin, S. (2006). Corporate reputation and social performance: The importance of fit. *Journal of Management Studies*, 43(3), 435–455.
22. Brickson, S. (2007). Organizational identity orientation: The genesis of the role of the firm and distinct forms of social value. *The Academy of Management Review*, 32(3), 864–888.
23. Bruyat, C., & Julien, P. A. (2001). Defining the field of research in entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 16(2), 165–180.
24. Cabral, S., Lazzarini, S. G., & Azevedo, P. F. d.e. (2009). Private operation with public supervision: Evidence of hybrid modes of governance in prisons. *Public Choice*, 145(1–2), 281–293.
25. Casselman, R. M., Sama, L. M., & Stefanidis, A. (2015). Differential social performance of religiously affiliated microfinance institutions (MFIs) in Base of Pyramid (BOP) markets. *Journal of Business Ethics*, 132(3), 539–552.
26. Castaldo, S., Perrini, F., Misani, N., & Tencati, A. (2008). The missing link between corporate social responsibility and consumer trust: The case of fair trade products. *Journal of Business Ethics*, 84(1), 1–15.
27. Chen, C. M., & Delmas, M. (2011). Measuring corporate social performance: An efficiency perspective. *Production and Operations Management*, 20(6), 789–804.
28. ----- (2012). Measuring eco-inefficiency: A new frontier approach. *Operations Research*, 60(5), 1064–1079.
29. Chen, J., Patten, D. M., & Roberts, R. (2008). Corporate charitable contributions: A corporate social performance or legitimacy strategy? *Journal of Business Ethics*, 82(1), 131–144.
30. Choi, N., & Majumdar, S. (2014). Social entrepreneurship as an essentially contested concept: Opening a new avenue for systematic future research. *Journal of Business Venturing*, 29(3), 363–376.
31. Corner, P. D., & Ho, M. (2010). How opportunities develop in social entrepreneurship. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 635–659.
32. Covin, J. G., & Wales, W. J. (2012). The measurement of entrepreneurial orientation. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(4), 677–702.
33. Crilly, D., Ni, N., & Jiang, Y. (2016). Do-no-harm versus do-good social responsibility: Attributional thinking and the liability of foreignness. *Strategic Management Journal*, 37(7), 1316–1329.
34. Cuesta-Gonzalez, M., de la, Munoz-Torrez, M. J., & Fernandez-Izquierdo, M. A. (2006). Analysis of social performance in the Spanish financial industry through public data: A proposal. *Journal of Business Ethics*, 69(3), 289–304.
35. Cumming, D., & Johan, S. (2007). Socially responsible institutional investment in private equity. *Journal of Business Ethics*, 75(4), 395–416.
36. Dacin, M. T., Dacin, P. A., & Tracey, P. (2011). Social entrepreneurship: A critique and future directions. *Organization Science*, 22(5), 1203–1213.
37. Dacin, P. A., Dacin, M. T., & Matear, M. (2010). Social entrepreneurship: Why we don't need a new theory and how we move forward from here. *The Academy of Management Perspectives*, 24(3), 37–57.

منابع

38. Datta, P. B., & Gailey, R. (2012). Empowering women through social entrepreneurship: Case study of a women's cooperative in India. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(3), 569–587.
39. David, R. J., & Han, S. K. (2004). A systematic assessment of the empirical support for transaction cost economics. *Strategic Management Journal*, 25(1), 39–58.
40. Davidsson, P., & Gordon, S. R. (2012). Panel studies of new venture creation: A methods-focused review and suggestions for future research. *Small Business Economics*, 39(4), 853–876.
41. Davidsson, P., & Wiklund, J. (2001). Levels of analysis in entrepreneurship research: Current research practice and suggestions for the future. *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 25(4), 81.
42. Dees, J. G. (1998). Enterprising nonprofits. *Harvard Business Review*, 76(1), 55–67.
43. Desouza, K. C., & Smith, K. L. (2014). Big data for social innovation. *Stanford Social Innovation Review*, 12(3), 38–43.
44. Di Domenico, M., Haugh, H., & Tracey, P. (2010). Social bricolage: Theorizing social value creation in social enterprises. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 681–703.
45. Di Norcia, V. (1996). Environmental and social performance. *Journal of Business Ethics*, 15(7), 773–784.
46. Dillenburg, S., Greene, T., & Erikson, H. (2003). Approaching socially responsible investment with a comprehensive ratings scheme: Total social impact*. *Journal of Business Ethics*, 43(3), 167–177.
47. Dobson, P. W., & Gerstner, E. (2010). For a few cents more: Why supersize unhealthy food? *Marketing Science*, 29(4), 770–778.
48. Duflo, E., Dupas, P., & Kremer, M. (2011). Peer effects, teacher incentives, and the impact of tracking: Evidence from a randomized evaluation in Kenya. *The American Economic Review*, 101(5), 1739–1774.
49. Duflo, E., Glennerster, R., & Kremer, M. (2007). Using randomization in development economics research: A toolkit (Chapter 61). In T. P. S. and J. A. Strauss (Eds.), *Handbook of development economics*, (Vol. 4, pp. 3895–3962). Amsterdam: Elsevier.
50. Dutt, N., Hawn, O., Vidal, E., Chatterji, A. K., McGahan, A. M., & Will Mitchell. (2016). How open system intermediaries address institutional failures: The case of business incubators in emerging market countries. *Academy of Management Journal*, 59(3), 818–840.
51. Emerson, J. (2003). The blended value proposition: Integrating social and financial results. *California Management Review*, 45(4), 35–51.
52. Espeland, W. N., & Sauder, M. (2007). Rankings and reactivity: How public measures recreate social worlds. *American Journal of Sociology*, 113(1), 1–40.
53. Espeland, W. N., & Stevens, M. L. (1998). Commensuration as a social process. *Annual Review of Sociology*, 24(1), 313–343.
54. Fiedler, S., Glockner, A., Nicklisch, A., & Dickert, S. (2013). Social Value Orientation and information search in social dilemmas: An eye-tracking analysis. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 120(2), 272–284.
55. Field, E., Jayachandran, S., & Pande, R. (2010). Do traditional institutions constrain female entrepreneurship? A field experiment on business training in India. *The American Economic Review*, 100(2), 125–129.

56. Galbreth, M. R., Boyaci, T., & Verter, V. (2013). Product reuse in innovative industries. *Production and Operations Management*, 22(4), 1011–1033.
57. Gauthier, C. (2005). Measuring corporate social and environmental performance: The extended lifecycle assessment. *Journal of Business Ethics*, 59(1–2), 199–206.
58. Goh, J. M., Gao, G., & Agarwal, R. (2016). The creation of social value: Can an online health community reduce rural–urban health disparities? *MIS Quarterly*, 40(1), 247–263.
59. Grimes, M. (2010). Strategic sensemaking within funding relationships: The effects of performance measurement on organizational identity in the social sector. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 763–783.
60. Hall, M., Millo, Y., & Barman, E. (2015). Who and what really counts? Stakeholder prioritization and accounting for social value. *Journal of Management Studies*, 52(7), 907–934.
61. Herbig, P., Milewicz, J., & Golden, J. (1994). A model of reputation building and destruction. *Journal of Business Research*, 31(1), 23–31.
62. Husted, B. W., & de J. Salazar, J. (2006). Taking Friedman seriously: Maximizing profits and social performance. *Journal of Management Studies*, 43(1), 75–91.
63. Igalens, J., & Gond, J. P. (2005). Measuring corporate social performance in France: A critical and empirical analysis of ARESE data. *Journal of Business Ethics*, 56(2), 131–148.
64. Ioannou, I., & Serafeim, G. (2012). What drives corporate social performance? The role of nation-level institutions. *Journal of International Business Studies*, 43(9), 834–864.
65. Izzo, D. (2013). Aligning interests in impact investing. *Stanford Social Innovation Review*. Retrieved from
66. http://www.ssireview.org/blog/entry/aligning_interests_in_impact_investing
67. Jamali, D. (2008). A stakeholder approach to corporate social responsibility: A fresh perspective into theory and practice. *Journal of Business Ethics*, 82(1), 213–231.
68. Jamali, D., & Mirshak, R. (2007). Corporate social responsibility (CSR): Theory and practice in a developing country context. *Journal of Business Ethics*, 72(3), 243–262.
69. Jenkins, H. (2006). Small business champions for corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 67(3), 241–256.
70. Jo, H., Kim, H., & Park, K. (2015). Corporate environmental responsibility and firm performance in the financial services sector. *Journal of Business Ethics*, 131(2), 257–284.
71. Kang, J. (2013). The relationship between corporate diversification and corporate social performance. *Strategic Management Journal*, 34(1), 94.
72. Kania, J., & Kramer, M. (2011). Collective impact. *Stanford Social Innovation Review*, 9(4), 36–41.
73. Kaplan, R. S., & Grossman, A. S. (2010). The emerging capital market for nonprofits. *Harvard Business Review*, 88(10), 110–118.
74. Kent, D., & Dacin, M. T. (2013). Bankers at the gate: Microfinance and the high cost of borrowed logics. *Journal of Business Venturing*, 28(6), 759–773.
75. Kerlinger, F. N., & Lee, H. B. (2000). *Foundations of behavioral research*. Fort Worth, TX: Harcourt College Publishers.

76. Kirchoff, B. A., Newbert, S. L., Hasan, I., & Armington, C. (2007). The influence of university R & D expenditures on new business formations and employment growth. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 31(4), 543–559.
77. Kleine, A., & von Hauff, M. (2009). Sustainability-driven implementation of corporate social responsibility: Application of the integrative sustainability triangle. *Journal of Business Ethics*, 85, 517–533.
78. Kneiding, C., & Tracey, P. (2009). Towards a performance measurement framework for community development finance institutions in the UK. *Journal of Business Ethics*, 86(3), 327–345.
79. Kroeger, A., & Weber, C. (2014). Developing a conceptual framework for comparing social value creation. *Academy of Management Review*, 39(4), 513–540.
80. Lingane, A., & Olsen, S. (2004). Guidelines for social return on investment. *California Management Review*, 46(3), 116–135.
81. Liston-heyas, C., & Ceton, G. (2009). An investigation of real versus perceived CSP in S&P-500 firms. *Journal of Business Ethics*, 89(2), 283–296.
82. Lowell, S., Trelstad, B., & Meehan, B. (2005). The ratings game. *Stanford Social Innovation Review*, 3(2), 38–45.
83. Lumpkin, G. T., Moss, T. W., Gras, D. M., Kato, S., & Amezcua, A. S. (2011). Entrepreneurial processes in social contexts: How are they different, if at all? *Small Business Economics*, 40(3), 761–783.
84. Lyon, F., & Fernandez, H. (2012). Strategies for scaling up social enterprise: Lessons from early years providers. *Social Enterprise Journal*; Bingley, 8(1), 63–77.
85. Mair, J., & Marti, I. (2006). Social entrepreneurship research: A source of explanation, prediction, and delight. *Journal of World Business*, 41, 36–44.
86. Manner, M. H. (2010). The impact of CEO characteristics on corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 93, 53–72.
87. Marom, I. Y. (2006). Toward a unified theory of the CSP–CFP link. *Journal of Business Ethics*, 67(2), 191–200.
88. McGuire, J., Dow, S., & Argheyd, K. (2003). CEO incentives and corporate social performance. *Journal of Business Ethics*, 45(4), 341–359.
89. McWilliams, A., & Siegel, D. S. (2011). Creating and capturing value: Strategic corporate social responsibility, resource-based theory, and sustainable competitive advantage. *Journal of Management*, 37(5), 1480–1495.
90. Miller, T. L., Grimes, M., McMullen, J., & Vogus, T. J. (2012). Venturing for others with heart and head: How compassion encourages social entrepreneurship. *Academy of Management Review*, 37(4), 616–640.
91. Miller, T. L., & Wesley II, C. L. (2010). Assessing mission and resources for social change: An organizational identity perspective on social venture capitalists' decision criteria. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(4), 705–733.
92. Milligan, K., & Schoening, M. (2011). Taking a realistic approach to impact investing: Observations from the world economic forum's global agenda council on social innovation. *Innovations: Technology, Governance, Globalization*, 6(3), 155–166.
93. Moore, G. (2004). The fair trade movement: Parameters, issues and future research. *Journal of Business Ethics*, 53(1), 73–86.
94. Moss, T. W., Neubaum, D. O., & Meyskens, M. (2015). The effect of virtuous and entrepreneurial orientations on microfinance lending and repayment: A signaling theory perspective. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(1), 27–52.

95. Moss, T. W., Short, J. C., Payne, G. T., & Lumpkin, G. T. (2011). Dual identities in social ventures: An exploratory study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 35(4), 805–830.
96. Murali, K., Lim, M. K., & Petruzzi, N. C. (2015). Municipal groundwater management: Optimal allocation and control of a renewable natural resource. *Production and Operations Management*, 24(9), 1453–1472.
97. Newbert, S. L. (2007). Empirical research on the resource-based view of the firm: An assessment and suggestions for future research. *Strategic Management Journal*, 28(2), 121–146.
98. Nicholls, A. (2008). Capturing the performance of the socially entrepreneurial organisation (SEO): An organisational legitimacy approach. In J. Robinson, J. Mair & K. Hockerts (Eds.), *International perspectives on social entrepreneurship research: 27–74*. London: Palgrave Macmillan.
99. Nicholls, A. (2009). “We do good things, don’t we?”: “Blended Value Accounting” in social entrepreneurship. *Accounting, Organizations and Society*, 34(6–7), 755–769.
100. O’Dwyer, B. (2005). The construction of a social account: A case study in an overseas aid agency. *Accounting, Organizations and Society*, 30(3), 279–296.
101. Oikonomou, I., Brooks, C., & Pavelin, S. (2014). The financial effects of uniform and mixed corporate social performance. *The Journal of Management Studies*, 51(6), 898–925.
102. Ovchinnikov, A., Blass, V., & Raz, G. (2014). Economic and environmental assessment of remanufacturing strategies for product + service firms. *Production and Operations Management*, 23(5), 744–761.
103. Pagell, M., & Gobeli, D. (2009). How plant managers’ experiences and attitudes toward sustainability relate to operational performance. *Production and Operations Management*, 18(3), 278–299.
104. Peng, C., & Yang, M. (2014). The effect of corporate social performance on financial performance: The moderating effect of ownership concentration. *Journal of Business Ethics*, 123(1), 171–182.
105. Peredo, A., & Mclean, M. (2006). Social entrepreneurship: A critical review of the concept. *Journal of World Business*, 41, 56–65.
106. Perry, J. T., Chandler, G. N., & Markova, G. (2012). Entrepreneurial effectuation: A review and suggestions for future research. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 36(4), 837–861.
107. Pitsakis, K., Souitaris, V., & Nicolaou, N. (2015). The peripheral halo effect: Do academic spinoffs influence universities’ research income? *Journal of Management Studies*, 52(3), 321–353.
108. Quariguasi-Frota-Neto, J., & Bloemhof, J. (2012). An analysis of the eco-efficiency of remanufactured personal computers and mobile phones. *Production and Operations Management*, 21(1), 101–114.
109. Randøy, T., Strøm, R. Ø., & Mersland, R. (2015). The impact of entrepreneur-CEOs in microfinance institutions: A global survey. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(4), 927–953.
110. Rauch, A., Frese, M., & Utsch, A. (2005). Effects of human capital and long-term human resources development and utilization on employment growth of small-scale businesses: a causal analysis. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 29(6), 681–698.

منابع

111. Rawhouser, H., Cummings, M. E., & Marcus, A. (forthcoming). Sustainability standards and stakeholder engagement: Lessons from carbon markets. *Organization & Environment*.
112. Raz, G., Druehl, C. T., & Blass, V. (2013). Design for the environment: Life-cycle approach using a newsvendor model. *Production and Operations Management*, 22(4), 940–957.
113. Renouard, C. (2011). Corporate social responsibility, utilitarianism, and the capabilities approach. *Journal of Business Ethics*, 98(1), 85–97.
114. Reynolds, P. D., & White, S. B. (1997). *The entrepreneurial process: Economic growth, men, women, and minorities*. Greenwich, CT: Greenwood Books.
115. Romijn, H. A., & Canie`ls, M. (2011). The Jatropha biofuels sector in Tanzania 2005–2009: Evolution towards sustainability? *Research Policy*, 40(4), 618–636.
116. Rousseau, D. M. (1985). Issues of level in organizational research: Multi-level and cross-level perspectives. *Research in Organizational Behavior*, 7(1), 1–37.
117. Salazar, J., de, J., Husted, B. W., & Biehl, M. (2012). Thoughts on the evaluation of corporate social performance through projects. *Journal of Business Ethics*, 105(2), 175–186.
118. Santos, F. (2012). A positive theory of social entrepreneurship. *Journal of Business Ethics*, 111, 335–351.
119. Schreck, P. (2011). Reviewing the business case for corporate social responsibility: New evidence and analysis. *Journal of Business Ethics*, 103(2), 167–188.
120. Schuler, D. A., & Cording, M. (2006). A corporate social performance-corporate financial performance behavioral model for consumers. *The Academy of Management Review*, 31(3), 540–558.
121. Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford: Oxford University Press.
122. Shaukat, A., Qiu, Y., & Trojanowski, G. (2016). Board attributes, corporate social responsibility strategy, and corporate environmental and social performance. *Journal of Business Ethics*, 135(3), 569–585.
123. Short, J. C., Moss, T. W., & Lumpkin, G. T. (2009). Research in social entrepreneurship: Past contributions and future opportunities. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 3(2), 161–194.
124. Simpson, W. G., & Kohers, T. (2002). The link between corporate social and financial performance: Evidence from the banking industry. *Journal of Business Ethics*, 35(2), 97–109.
125. Slotte-Kock, S., & Coviello, N. (2010). Entrepreneurship research on network processes: A review and ways forward. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 34(1), 31–57.
126. Soleimani, A., Schneper, W. D., & Newburry, W. (2014). The impact of stakeholder power on corporate reputation: A cross-country corporate governance perspective. *Organization Science*, 25(4), 991–1008.
127. Stanwick, P. A., & Stanwick, S. D. (1998). The relationship between corporate social performance and organizational size, financial performance, and environmental performance: An empirical examination. *Journal of Business Ethics*, 17(2), 195–204.
128. Stephan, U., Patterson, M., Kelly, C., & Mair, J. (2016). Organizations driving positive social change a review and an integrative framework of change processes. *Journal of Management*, 42(5), 1250–1281.

منابع

129. Stevens, R., Moray, N., & Bruneel, J. (2015). The social and economic mission of social enterprises: Dimensions, measurement, validation, and relation. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 39(5), 1051–1082.
130. Stuart, J. A., Ammons, J. C., & Turbini, L. J. (1999). A product and process selection model with multidisciplinary environmental considerations. *Operations Research*, 47(2), 221–234.
131. Tobias, J. M., Mair, J., & Barbosa-Leiker, C. (2013). Toward a theory of transformative entrepreneuring: Poverty reduction and conflict resolution in Rwanda's entrepreneurial coffee sector. *Journal of Business Venturing*, 28(6), 728–742.
132. Utting, K. (2009). Assessing the impact of fair trade coffee: Towards an integrative framework. *Journal of Business Ethics*, 86, 127–149.
133. Van der Laan, G., Van Ees, H., & Van Witteloostuijn, A. (2008). Corporate social and financial performance: An extended stakeholder theory, and empirical test with accounting measures. *Journal of Business Ethics*, 79(3), 299–310.
134. Van Woensel, T., Creten, R., & Vandaele, N. (2001). Managing the environmental externalities of traffic logistics: The issue of emissions. *Production and Operations Management*, 10(2), 207–223.
135. Wagner, M. (2010). Corporate social performance and innovation with high social benefits: A quantitative analysis. *Journal of Business Ethics*, 94(4), 581–594.
136. Weick, K. E. (1989). Theory construction as disciplined imagination. *The Academy of Management Review*, 14(4), 516–531.
137. Wood, D. J. (1991). Corporate social performance revisited. *Academy of Management Review*, 16(4), 691–718.
138. Wu, Z., & Pagell, M. (2011). Balancing priorities: Decision-making in sustainable supply chain management. *Journal of Operations Management*, 29(6), 577–590.
139. Zaheer, S., Albert, S., & Zaheer, A. (1999). Time scales and organizational theory. *The Academy of Management Review*, 24(4), 725–741.
140. Zahra, S. A., & Wright, M. (2016). Understanding the social role of entrepreneurship. *The Journal of Management Studies*, 53(4), 610.